به کدام سو می رویم؟

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۶۳
دوره دوم
دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۵۹
بها ۱۵ ریال

آنچه در سخنرانی پرمعنای روز اربعین درباره‌ٔ لزوم دستیابی به سلاح های پیشرفته برای پیروزی در جنگ با رژیم بعث عراق، و در واقع برای رویارویی با توطئه‌های رنگارنگ دشمن اصلی انقلاب اسلامی ایران، یعنی آمریکا و متحدانش در اردوگاه امپریالیسم گفته شد، بازتابهای متفاوتی در مصاحبه‌ها وسخنرانی‌های رسمی و در مطبوعات داشته‌است. برخی آن را وزش نسیمی از واقع‌گرایی شمردند که سرانجام برخاسته است و مه و دود پیشداوریها و تعصبات راکنار می زند. گروهی دیگر، برعکس آن رانشانه‌ٔ خوشباوری کودکانه و بی توجهی به خطر "ابرقدرت ها" دانستند که در خرید اراین اسلحه، در کشورهای رو به رشد و در جنبش‌های رهایی ملی، به چشم مهره‌هایی در شطرنج سیاسی خود می نگرند و جز به بهای وابستگی نظامی وسیاسی واقتصادی چیزی در اختیارشان

بقیه در صفحه ۸

نمونه‌ای از توطئه‌های سیا و رسانه‌های گروهی امپریالیستی

چندی پیش در فیلادلفی واقعه‌ای روی داد که ارتباط مستقیم باسیاست ایالات متحده آمریکا در خاورنزدیك دارد. اقتصاددانان برجسته آمریکائی، معاون بخش مربوط به روسیه در دانشگاه هاروارد مارشال گلدمن بااسناد و ارقامی که در دست داشت ثابت کرد که "گزارش سیا" درباره‌ٔ کاهش استخراج نفت در اتحاد شوروی سرتاپا جعلی وکاملا بی اساس است.

بخاطر بیاوریم که چگونه ۳ سال پیش این "گزارش سیا" و به اصطلاح "پیش بینی" "اداره‌ٔ جاسوسی آمریکا در جهان غرب سروصدائی بپاکرد.

بقیه در صفحه ۳

تناسب نیروها در عرصه جهانی و بازتاب آن در جنبش های رهایی بخش و مبارزه خلقها علیه امپریالیسم و بخاطر استقلال

صفحه ۸

عملکردهای سیا و تبلیغات امپریالیستی

سرویس های مخفی آمریکا در تحقق هدف‌های توسعه طلبانه‌ٔ محافل امپریالیست ایالات متحده در تشنج افزایی وتوطئه بر ضد نظام ها وجنبش های انقلابی وضد امپریالیست جهان نقش فعالی دارند. به گفته‌ٔ و. کلبی رئیس سابق "سیا" "این سازمان آنچنان ریشه‌ای دوانیده که به صورت عامل مهمی در روابط آمریکا با کشورهای خارجی درآمده است". شیوه‌های مبارزه‌ٔ مخفیانه و "نامرسوم" که سازمان مذکور در عرصه‌ٔ بین‌المللی در پیش می گیرد، هیچ اعتراضی را از جانب مقامات بلند پایه ایالات متحده آمریکا برنمی انگیزد، زیرا آنان بااین بیان سناتور ج. استینس موافقت کامل دارند که می گوید: "باید چشم‌هایمان را به روی تمام اعمال سرویس های مخفی ببندیم و آنها را چون اعمال انجام شده بپذیریم". تخصیص میلیاردها دلار به سازمان جاسوسی "سیا"، اشتغال هزاران تن کارمند در آن ودر اختیار داشتن منابع کلان که بسا بیشتر از منابع دپارتمان دولتی است، این واقعیت را تأیید می کند. بنا به اعتراف ت. ویکر مفسر نیویورك تایمز هیچ جای تعجب نیست که "از سیا بترسند و از آن به خاطر فعالیت های پنهانی اش متنفر باشند" و "سیا برای مردم جهان منفور وملعون باشد".

بقیه در صفحه ۶

برنامه های عمرانی در رژیم گذشته، بهانه‌ای برای چپاول ثروت ملی

مهندس پیروز تیرداد

امپریالیسم در تلاش بقا نیاز دارد که برای گردش چرخ صنایع خود مواد اولیه را از کشورهای تحت سلطه تهیه کند وفرآورده‌های این صنایع را در بازار این کشورها به فروش برساند. از آنجاکه ادامه اقتصاد سرمایه‌داری بخصوص در بالا ترین مرحله‌ٔ آن، یعنی مرحله‌ٔ امپریالیستی، باباز تولید گسترده ودائم التزاید میسراست، این نیاز همیشه گسترده تر می گردد وبالاخره به مرحله‌ای می رسد که به طرز آشتی ناپذیری، در مقابل مصالح ملی خلقهای این ممالك قرار می گیرد.

پس از کودتای امپریالیستی بیست و هشتم مرداد ماه سال ۱۳۳۲ که ایران بکلی در اختیار امپریالیستها بخصوص امپریالیسم آمریکا قرارگرفت، ماشاهد غارت روزافزون ثروت ملی خودمان بودیم. آنچه راکه توانستند غارت کردند و آنچه راکه ظاهرا میخواستند صرف کارهای باصطلاح عمرانی بکنند یا به عوامل خود خوراندند یا تلف کردند بنحوی که وقتی یك ایرانی متوجه آن بشود واقعا شخصیت انسانیش را پایمال شده می بیند.

تاسال ۱۳۵۲ شمسی که درآمد ایران از نفت کمتر بود گسترش این غارت هم باکندی صورت می گرفت. در این سال که ذخائر ارزی ایران جهش فوق‌العاده کرد، این غارت نیز در جهات مختلف تحول کیفی یافت. در بخش صنعت، صنایع وابسته و مونتاژ بوجود آمد که بتواند هم بازار فروش امپریالیستها راتوسعه دهد، هم کارخانه‌هائی راکه بیشتر آنها از لحاظ تکنیك کهنه شده بودند به ایران تحمیل کند وهم به علت ارزانی دستمزد کارگر در ایران سود بیشتری عاید امپریالیستها و عوامل داخلی آنهاشود.

بقیه در صفحه ۷

جمهوری چاد در مبارزه با امپریالیسم

جمهوری چاد کشوری است در مرکز قاره‌ٔ آفریقا که به دریا راه ندارد. این کشور به وسیله‌ٔ لیبی، سودان، جمهوری آفریقای مرکزی، کامرون، نیجر ونیجریا احاطه شده است. مساحت چاد ۱۲۸۴ هزار کیلومترمربع وجمعیت آن (طبق آمار ۱۹۷۹) ۴/۵ میلیون نفراست. بیش از صد ملیت در این کشوروجود دارند که عبارتند از: توبوها، عرب ها، ساراها، ماساها و هااوساها. بیش از ۶۰٪ جمعیت چاد مسلمان، قریب ۱۰٪ مسیحی و بقیه‌جمعیت پیرو مذاهب محلی هستند. کشور به ۱۴ حوزه‌ٔ اداری تقسیم شده است. پایتخت آن نجامنا است که ۴۰۰ هزار نفرجمعیت دارد. شهرهای مهم کشورعبارتند از سار، موندو و عابشه. زبان های رسمی کشورفرانسه وعربی است.

سرزمین چاد از سده‌های باستان مسکون بوده است. در اوایل قرن نهم (میلادی) دولت کانم‌بورکو در آنجا تشکیل شد. بعدها دولت هائی در چاد پیدا شدند که برخی از آنها در طول سلطه استعماری

بقیه در صفحه ۲

بورژوازی سازشکار و لیبرال مصر در خدمت انحصارات امپریالیستی

بااوج مبارزه‌ٔ ضد امپریالیستی مردم مصر در سالهای حیات جمال عبدالناصر گامهای درخشان ومثبتی در جهت تحکیم پایه‌های استقلال سیاسی واقتصادی مصر به نفع توده‌های مستضعف کارگر ودهقان، پیشه‌وران ودیگر زحمتکشان این کشور برداشته شد. اما از آنجاکه دست بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران مصر از نهادهای اقتصادی و سیاسی ونظامی بکلی کوتاه نشده بود و نمایندگان سیاسی و نظامی وفادار به آنها چون سادات وشرکاء در نهادهای بلند پایه حکومتی حضور داشتند، از مرگ ناصر برای ساخت وپاخت باامپریالیسم استفاده کردند وابتداء باتظاهر به جانبداری از آرمان‌های انقلابی جمال عبدالناصر و توسل به عوام فریبی وتزویر بارأی مردم قدرت را قبضه کردند و سپس راه ورود امپریالیسم را به کشور خود هموار ساختند.

امروز مصر در نتیجه‌ٔ خیانت آشکار بورژوازی سازشکار و لیبرال در چنگال فرمانروائی اقتصادی، سیاسی و نظامی و فرهنگی امپریالیسم وصهیونیسم دست و پا می زند. وبا زبه موهبت تجربه‌ٔ تلخ تاریخ برای چندمین بار به اثبات رسیده است که بورژوازی لیبرال در دوران تعمیق انقلابات رهائی بخش یکی از خدمتگزاران صدیق امپریالیسم است وبنا به غریزه طبقاتی خود امپریالیسم راتکیه‌گاه مطمئنی برای نجات خود از "کابوس" انقلاب می داند.

در سطور زیرگوشه‌ای از خیانت بورژوازی سازشکار ولیبرال مصر در مسلط گردانیدن بانکها وانحصارات امپریالیستی براقتصاد مصر مروری کنیم.

بقیه در صفحه ۲

مسابقه تسلیحاتی و نتایج آن برای ایالات متحده

"ا[illegible] مقاله را و. پرلو اقتصاد[illegible] [illegible]سی نامدار و ترقیخواه آمریکا نوشته‌است. ما [illegible]همه‌ٔ این مقاله را با اندکی اختصار از نظ[illegible] [illegible]ندگان می گذرانیم"

سرمایه‌داری جهانی در مجموع وسرمایه‌داری آمریکا بطور خاص است. ایالات متحده در جهات مختلف مواضع پیشین خود را از دست داده وبه شرایطی گام می نهد که شدیدترین بحران اقتصادی دوران پس از جنگ را در پی دارد.

در این جا لازم است به منظور روشن شدن موقعیت جهانی امپریالیسم آمریکا به پدیده‌های زیراشاره شود:

– امپریالیسم آمریکا فرمانروائی اش را برسودآورترین قلمروهای نواستعماریش، مخصوصا فرمانروائی بربخش مهمی از منابع نفتی آسیا، آفریقا وآمریکای لاتین از دست داد.

– نیروهای رهائی ملی وجنبش های انقلابی در مبارزه برضد امپریالیسم و استعمار نو همواره کامیابی های روزافزونی کسب می کنند. تضادهای بین امپریالیستی مخصوصا در

بقیه در صفحه ۴

دولت ایالات متحده بطرزبی سابقه‌ای خود را درگیر افزایش دیوانه وار بودجه‌ٔ نظامی در زمان صلح کرده است. انباشت سلاح ها در این کشور باسیاست شدید تجاوزکارانه واخلال در امر تشنج زدایی همراه بوده است.

این سیاست پاسخ ماجراجویانه‌ٔ نیروهای راستگرا در میان محافل رهبری ایالات متحده نسبت به وخامت موقعیت

هشتادمین سالروز تولد آنازگرس

در صفحه ۳

شعر: پرچمدار
از: صمد ورغون
ترجمه: بدرالدین مدنی

در صفحه ۵

بقیه از صفحهٔ ۱

جمهوری چاد در ...

فرانسه به حیات خود ادامه دادند. در ۱۹۰۰ چاد پس از نابودی ارتش دولت رابح به وسیلهٔ واحدهای نظامی فرانسه سرزمین نظامی فرانسه اعلام شد، اما در حقیقت فتح کشور عملا تا سال ۱۹۱۴ به طول انجامید. سرزمین چاد در سال ۱۹۰۴ به مستعمرهٔ فرانسوی اوبانگی ــ چاری ضمیمه گردید و در ۱۹۱۴ به مستعمرهٔ مجزای آفریقائی فرانسه در نواحی استوا تبدیل شد.

مبارزهٔ مردم چاد برای رهائی ملی خود مخصوصا پس از جنگ دوم جهانی شدت یافت. چاد در ۱۹۴۶ به سرزمین "ماوراء بحار" فرانسه و در سپتامبر ۱۹۵۸ به جمهوری درون جامعهٔ فرانسه تبدیل شد. ف. تومبال بیه رهبر حزب ترقی ــ خواه چاد رئیس حکومت این کشور شد. چاد در ۱۱ اوت ۱۹۶۰ استقلال یافت. در ۱۹۶۲ با تصویب قانون اساسی، رژیم جمهوری این کشور که قبلا استقرار یافته بود، صورت قانونی یافت.

چاد دارای منابع طبیعی غنی است. در این کشور مقادیر قابل توجهی مواد معدنی چون نفت، اورانیوم، تنگستن، نیکل، پلاتین، مس، طلا و سنگ آهن کشف شده است. در چاد سود سوزآور و نمک استخراج می شود. وضع اقلیمی و خاك كشور کشت پنبه، برنج، بادام زمینی و سایر کشت های ارزشمند را ممکن ساخته است. چاد با داشتن اقتصاد یک محصولی که از گذشتهٔ استعماری به ارث رسیده کشوری عقب مانده و فلاحتی است. ۸۷٪ جمعیت فعال کشور در کشاورزی، دام ــ پروری و ماهیگیری مشغول بکارند. تولید صنعتی تقریبا ۱۲٪ تولید نا ــ خالص ملی را تشکیل می دهد. در کشور تنها ۱۷ واحد صنعتی وجود دارد. بزرگترین موسسات صنعتی کشور عبارتند از: کارخانه پنبه پاك ــ کنی، مجتمع پارچه بافی، کارخانه جوراب بافی، مجتمع تولید گوشت، آجر سازی، دوچرخه سازی، کارخانهٔ تولید کره وغیره.

اتومبیل های سواری وسیلهٔ مهم حمل و نقل را تشکیل می دهند. مجموع جاده های آسفالتهٔ کشور ۲۴ کیلومتر است. در فصل باران رود ــ خانه های شاری ولوگون به راههای مهم ارتباطی تبدیل می شوند. یک فرودگاه بین المللی در نجامنا ساخته شده که همهٔ هواپیماهای مدرن می ــ توانند در آن فرود بیایند. ارتبا ــ طات هوائی برای این کشور اهمیت بسزائی دارد.

چاد در منطقهٔ پولی فرانك قرار دارد. واحد پولی کشور فرانك است (=۰/۰۲ فرانك فرانسه). کسری موازنهٔ بازرگانی خارجی دائمی است. تقریبا ۷۰٪ صادرات کشور به اروپای باختری تعلق دارد که ۴۰٪ آن در دست فرانسه است، وامهای سنگین خارجی موقعیت مالی کشور و سطح زندگی زحمتکشان را به مخاطره انداخته است. در چاد برای هر ۵۰ هزار سکنه یک پزشك وجود دارد. تنها ۲۵٪ کودکان امکان دارند به مدرسهٔ ابتدائی راه یابند. تقریبا ۱۶ هزار دانش آموز در مدارس متوسطه مشغول تحصیل اند. دانشگاه نجامنا که در ۱۹۷۵ تأسیس شد یگانه موسسهٔ آموزش عالی محسوب می شود.

ناتوانی حکومت تومبال بیه در حل موثر وظایف اجتماعی ــ اقتصادی و تحمیل سیاست نو ــ استعماری متروپل پیشین (فرانسه به کشور نارضائی گسترده ای در محافل ترقیخواه چاد برانگیخت. این نارضائی هنگامی شدت یافت که رژیم تومبال بیه به حمایت از قشرهای مرفه کاتولیك جنوب چاد، منافع وخواست های اکثریت قاطع جمعیت مسلمان وملیت ها و قبایل مختلف را نادیده گرفت. این امر موجب شکل بندی جبهه رهائی ملی (فرولینا) در سال ۱۹۶۶ گردید. پایه گذار این جبهه ابراهیم آباشا بود. نیروهای مسلح خلقی جبههٔ (فاپ) برضد حکومت مرکزی وارد جنگ وسیع چریکی شد. اقدامات ف. تومبال بیه برای ریشه کن کردن این جنبش علی رغم پشتیبانی مستقیم نظامی فرانسه ناکام ماند.

در آوریل ۱۹۷۵ یك کودتای نظامی در نجامنا بوقوع پیوست. رژیم جدید تحت رهبری ژنرال ف. مالوئوم که با متروپل سابق (فرانسه) روابط نزدیك داشت بدون کامیابی سیاست نابودی فرولینا را از راه نظامی تعقیب کرد. در اواسط سال ۱۹۷۸ واحد های متعلق به نیروهای مسلح خلق (فاپ) نیمی از سرزمین کشور را آزاد کرد و مستقیم به سمت نجامنا پیشرفت نمود. برنامهٔ فرولینا که در فوریهٔ ۱۹۷۸ در فیبالا رژو به تصویب رسید وظایف اصلی انقلاب رهائی بخش ملی چاد را فرمولبندی نمود. متقابلا نیروهای وابسته به ارتجاع خارجی و داخلی فعال شدند وسعی کردند درون جنبش شورشگر انشعاب بوجود آورند. در اوت ۱۹۷۸ بین دولت ف. مالوئوم وگروه بندی "نیروهای مسلح شمال" به رهبری حسن هابره که از فرولینا انشعاب کرده بود، پیمان اتحاد منعقد گردید. در نتیجه مالوئوم رئیس جمهور و هابره نخست وزیر شد. این اتحاد مدت زیادی بطول نیانجامید. در فوریه ۱۹۷۹ یك توطئه مسلحانه بین اعضای اتحاد به وقوع پیوست، نیروهای مسلح فرولینا به رهبری اوادی گوکونی از آن استفاده کردند و به نجامنا وارد شدند. رژیم پیشین واژگون شد.

در این دوره، ۹ گروهبندی نظامی ــ سیاسی خارج از فرولینا و فان (نیروهای مسلح شمال) در کشور بوجود آمد. یکی از آنها موسوم به نیروهای مسلح چاد (فات) تحت رهبری و. کاموژ بود.

این گروهبندی ها یك نیروی ذینفوذ و واقعی را تشکیل نمی ــ دادند. با این همه اوادی گوکونی رهبر فرولینا، سازمانی که مواضع مسلط در نجامنا را احراز کرده بود موفق شد به نفع آشتی ملی اندیشه ایجاد دولتی مرکب از نمایندگان ۱۱ فراکسیون دیگر را به کرسی بنشا ــ ند. طبق موافقت نامه لاگوس که در نوامبر ۱۹۷۹ به امضاء رسید یك دولت موقت وحدت ملی بوجود آمد. در این دولت اوادی گوکونی پست رئیس جمهور (و در عین حال رئیس دولت)، و. آ. کاموژ پست معاون رئیس جمهور و ح. هابره پست وزیر دفاع را بدست آوردند.

در فاصله نوامبر ۱۹۷۹ تا مارس ۱۹۸۰ خط مشی دولت موقت وحدت ملی عادی ساختن اوضاع کشور بود. اکثر گروهبندی های نظامی ــ سیاسی حکومت تمایل خود را نسبت به تأمین وحدت واقعی کشور و ایجاد تدریجی جبههٔ وسیع دمو ــ کراتیك ابراز داشتند. در فعالیت دولت موقت وحدت ملی به اجرای تصمیمات موافقت نامهٔ لاگوس: تأمین فعالیت مجدد دستگاه دولتی، خلع سلاح کردن پایتخت و اخراج واحد های نظامی فرانسوی مستقر در پایگاه هوائی نزد یك نجامنا توجه ویژه ای معطوف شده بود. اما هیچیك از مواد موافقت نامه اجرا نشد، زیرا در ۲۳ مارس ۱۹۸۰ حسن هابره سربازان خود را علیه حکومت شوراند و کوشش کرد با کودتای نظامی قدرت را قبضه کند.

بگزارش روزنامه ها حسن هابره از مصر، سودان، عربستان سعودی و محافل ارتجاعی غرب کمك نظامی و مالی دریافت می کند. طبق تصمیم دولت موقت وحدت ملی هابره از دولت اخراج شد. رهبران همهٔ گروهبندی های نظامی ــ سیاسی به استثنای یکی از آنها حکومت گوکونی را مورد پشتیبانی قرار دادند. حکو ــ مت گوکونی ازجانب سازمان وحدت آفریقا، کشورهای همسایه و مجموع جامعهٔ بین المللی قانونی شناخته شده است.

هابره باتکیه برمحافل ارتجاعی داخلی وخارجی تا همین اواخر سعی کرد از راه برانگیختن جنگ داخلی اوضاع را به سود امپریالیسم ومقامات مرتجع محلی تغییر دهد. اما ارادهٔ خلق این توطئه را با شکست وناکامی روبرو ساخت ومواضع حکومت ضد امپریالیستی را بیش از پیش تحکیم نمود. وبدین سان امپریا ــ لیسم یکی از پایگاههای دیگر خود را در آفریقا از دست داد.

جمهوری چاد عضو سازمان ملل متحد وتعدادی از سازمانهای ویژه آن وهمچنین عضو سازمان وحدت آفریقا وجنبش کشورهای غیرمتعهد است. سیاست ضد امپریالیستی این کشور از جانب همهٔ کشورهای مترقی و صلحدوست جهان حمایت و پشتیبانی می شود.

روابط برابر حقوق با کشورهای سوسیالیست جهان وبه ویژه اتحاد شوروی زمینه های مساعدی برای تحکیم مبانی اقتصاد ملی ورشد مستقل وآزاد کشور فراهم آورده است. یك موافقت نامهٔ همکاری مخصوصا در زمینهٔ تعلیم کادر ملی به امضاء رسیده است. در پرتو اجرای این موافقت نامه در یك مدت کوتاه قریب ۱۴۰ شهروند چاد دورهٔ تحصیلات عالی وتخصصی خود را در اتحاد شوروی به پایان رسانده و برای خدمت به میهن بازگشته اند. بیش از ۴۰۰ دانش آموز همچنان به تحصیل وکسب تخصص در شوروی مشغول اند. این نوع کمك ها که در چارچوب احترام کامل وپی گرند به استقلال وحاکمیت این کشور بعمل می آید، ضامن مطمئنی برای شالوده ریزی اقتصاد ملی در گریز از قید وبند ــ های نواستعماری است■

"اتحاد مردم"
مدیر مسئول وصاحب امتیاز:
محمود اعتماد زاده (م. ا. به آذین)
سردبیر: محمد تقی برومند
صندوق پستی شماره ۱۱۱۷/ ۳۱۴
منطقهٔ ۱۳

خوانندگان ودوستان ارجمند وهمهٔ مراجع رسمی و غیر رسمی می توانند به آدرس فوق با ما مکاتبه کنند.

برای نبرد با امپریالیزم آمریکا متحد شویم!

بقیه از صفحهٔ ۱

بورژوازی سازشکار ...

آمار رسمی نشان می دهند که تا چه اندازه نفوذ بانکها وانحصارات امپریا ــ لیستی در مصر تقویت شده اند. ورشد اقتصادی این کشور به واسطه وامهای سنگین خارجی متوقف شده است. این آثار مخرب در اقتصاد مصر بندرت در مطبوعات کشور منعکس می شود وغالبا آن را با عوامفریبی وخوش بینی سفارشی از انظار پنهان نگاه میدارند. باوجود این نابسامانی وضع مالی واقتصادی مصر آنقدر محسوس ودردناك است که نگرانی شدید اقتصاددانان، افکار عمومی ومحافل دمو ــ کراتیك مصر را فراهم آورده است. به گزارش حزب ترقیخواه ملی (چپ) طی هفت سال تعقیب سیاست مشهور درهای باز وام خارجی این کشور تقریبا از ۱/۲ میلیارد دلار به ۱۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. نتیجه این که هرفرد مصری از جمله نوزادان تقریبا ۴۰۰ دلار به طلبکاران خارجی بدهکارند. این رقم از درآمد متوسط سرانهٔ سالیانه خیلی بیشتر است. بنوشته روزنامهٔ الشعب ارگان حزب سوسیالیستی کار که از احزاب مخالف است ۴۳ بانك خارجی در مصر فعالیت می کنند. هفته نامهٔ الاقتصاد که بیانگر خط مشی رسمی است نتیجهٔ بررسی های خود را درباره اوضاع اقتصادی مصر بالحن ملایمی منتشر کرده است.

بانك مرکزی مصر از ۱۹۷۶ در گزارش ــ های خود دربارهٔ اوضاع اقتصادی کشور همواره اعلام خطر می نمود که: بانکهای خارجی به جای جلب سرمایه ها به مصر به مرکز صدور این سرمایه ها تبدیل شده اند".

از آن تاریخ چهار سال گذشته است. آخرین گزارش منتشرهٔ بانك مرکزی درباره وضع مالی کشور (سپتامبر ۱۹۷۹) این اضطراب ها را تأیید نمود. در این تاریخ ذخایر مصر در بانکهای خارجی به ۹۰۴ میلیون لیره مصری رسید. (که البته ۷۵۶ میلیون لیره آن به ارز خارجی بوده است). سرمایه بانك های خارجی (به پول محلی) تنها ۷۷/۹ میلیون لیره یعنی کمتر از یکدهم همهٔ دارائی هایشان بود. برای جلب سرمایه ــ های خارجی به کشور از هیأت رئیسه های بانك ها دعوت بعمل آمد که تدابیری اتخاذ کنند تا انباشت های مصری های داخل کشور وآنهائی که در کشورهای عربی کار می کنند، بیش از پیش جذب شود. به نوشتهٔ هفته نامهٔ الاقتصاد علت اساسی رکود بانکهای داخلی و رونق بانکهای خارجی از این قرار است: نخست این که بانکهای خارجی توفیق یافته اند بهترین مدیران، اقتصاددانان و حسابداران را استخدام کنند. دوم این که این بانکها تکنولوژی محاسباتی فوق مدرن در اختیار دارند. ونفوذ وگسترش شعب آنها از رقیبان ملی خیلی بیشتر است. سوم این که بسیاری از نمایندگان بورژوازی انگل مصر که مبالغ نجومی از راه سوداگری ومعاملات نامشروع فراهم آورده اند. ترجیح می دهند پولهایشان را در بانکهای خارجی بگذارند که در اختفاء و مصون ماندن از تضمین بیشتر برخوردار است.

لازم به یادآوری است که سرمایه گذاری ــ های این بانك ها در خارج از مصر به ۷۸۲ میلیون لیره رسیده، در صورتی که اعتبارات تفویضی داخل کشور از یك چهارم مبلغ فوق تجاوز نمی کند. وانگهی آنها صرفا در زمینهٔ واردات سرمایه گذاری می کنند واز سرمایه گذاری در رشته تأسیس موسسات صنعتی امتناع می ورزند. واین در لحظه ای است که به قول علی جمال ناصرو نیرهمکاری ــ های اقتصادی دولت، مصر برای سرمایه ــ گذاری های سالیانه به بیش از ۴ میلیارد لیرهٔ نیاز دارد.

در پایان هر دورهٔ مالی، بانکهای خارجی به موهبت تسهیلاتی که برایشان وجود دارد، همهٔ درآمد های غارتگرانه ــ شان را به خارج برمی گردانند. بنابراین، همانطور که مدیر مصری سرمایه گذاری ها خاطرنشان می سازد. تنها در ۱۹۸۰ سود این بانك ها به ۲۵۰ میلیون لیره بالا رفت که سه بار بیش از سرمایهٔ ویژه شان است. بدین سان می بینیم پولی که برای اقتصاد ملی مورد نیاز است به خارج فرار می دهند.

موقعیت بانك مرکزی مصر تأسف انگیز است. قانون سرمایه گذاری های خارجی این بانك را از حق نظارت بر فعالیت این موسسات خارجی محروم داشته است. این بانك نمی تواند مانع چیزی شود که الشعب آن را "برش منظم تحمیل شده" نامیده است.

نمی توان گفت که اقتصاددانان مصر ناظران منفی این "برش منظم" اند. از این رو، آنها پیشنهاد کرده اند که ترتیبی اتخاذ شود که بانکهای خارجی ملزم شوند بخشی از سود

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

نمونه‌ای از ...

کارشناسان رنگارنگ جهان سرمایه‌داری بود پیشاپیش آنها "شوروی شناسان" کشورهای امپریالیستی فوراً از این "پیش بینی" سیا به "نتیجه گیریهای" سیاسی پرداختند. آنها با قاطعیت اعلام داشتند: چون استخراج نفت در اتحاد شوروی رو به کاهش است لذا آن دولت سعی خواهد کرد منابع نفت خاورنزدیک و میانه را بدست آورد. تا هم نیاز خود را به نفت مرتفع سازد و هم راه تأمین اروپای غربی و آمریکا از لحاظ نفت را زیرنظارت بگیرد.

این گزارش سیا و باصطلاح "پیش بینی" من درآوردی اداره جاسوسی آمریکا، که در حقیقت امریه خاطرچنین "نتیجه‌گیریهای سیاسی" در مراکز "امپریالیسم خبری" ساخته و پرداخته شده بود، توسط بعضی محافل معلوم الحال کشورهای عربی فوراً به خدمت گرفته شد. بلادرنگ انورسادات در مصر مترسک مندرس "خطرشوروی" را علم کرد و در هرسخنرانی ونطق وخطابه‌ایکه ایراد می‌کرد حتماً از "خطرشوروی" برای منابع نفت کشورهای اسلامی سخن می‌گفت. نگفته نگذاریم که بعضی مطبوعات ومحافل کشور خودمان ایران نیز به تکرار اینگونه مطالب تمایل شدیدی داشته و دارند.

اما اکنون واقعیات، اسناد و ارقام، آنهم بوسیله خود آمریکائیها به اثبات رسانده‌اند که اتحاد شوروی نه اینکه کمبودی از لحاظ نفت ندارد، بلکه برعکس استخراج نفت در آن کشور رو به افزایش است. درعین حال، با زهم واقعیات موجود اسناد وارقام نشانداده‌اند که کمبود نفت حقیقتاً هم وجود دارد... اما در ایالات متحده آمریکا.

ما در اینجا وقت خوانندگان را باتوضیح علل این موضوع نمیگیریم و فقط با نقل قول مختصری از اظهارات همین اقتصاددان آمریکائی گلد من اکتفا می‌کنیم. در گردهمائی علمی که دوماه پیش (اواسط آبانماه) در شهرفیلادلفی پیرامون وضعیت انرژی در اتحاد شوروی برگزار گردید معاون بخش روسی دانشگاه‌هاروارد گفت: "من به مراتب ترجیح میدادم گرفتار مسائل آنها باشم تاگرفتار معضلات خودمان. ما مجبوریم تقریباً ۴۰٪ از نفتی که مصرف می‌کنیم ازخارج وارد کنیم". وی ادامه سخن خود متذکر شد، که اما اتحاد شوروی نه فقط کاملاً خود را ازحیث نفت تامین می‌کند، بلکه مقدار قابل ملاحظه‌ای هم صادر می‌کند.

بدین ترتیب، کاملاً و باردیگر آشکار می‌شود که اینگونه "حدسیات" و "پیش گوئی ها" درباره "کاهش استخراج وذخایر نفت در اتحاد شوروی" و بهاصطلاح "استنتاجات" پیرامون "نقشه‌های روس ها" برای دست یابی به نفت خاورنزدیک همه وهمه ساخته وپرداخته ادارمرکزی جاسوسی ایالات متحده آمریکا، "توطئه" سیا به قصد فریب افکارعمومی جهانیان است. هدف این توطئه سیا وجاروجنجال "امپریالیسم خبری" درجهان ازیک سومنحرف ساختن نارضائی‌ها ونگرانی‌های مردم کشورهای غربی، ازکمبود انرژی ودشواریهای زائیده ازآن، ازعلل اصلی این کمبود، یعنی ازسیاست غارتگری وحشیانه انحصارات سرمایه‌داری است. ازسوی دیگر، هدف این توطئه، تحریک‌کردن وبرانگیختن کشورهای خاورمیانه ونزدیک علیه اتحاد شوروی است که‌گویا این دولت نسبت به منافع نفت آن کشورها سوءقصد کرده‌است. درصورتیکه اتحاد شوروی، برعکس، کاملاً امکان آنرا دارد که مناسبات همه جانبه و برابرحقوق را با این کشورها گسترش دهد.

ایالات متحده آمریکا می‌خواهد باایجاد چنین وضعیت عدم‌اعتمادی در این کشورها نسبت به اتحاد شوروی، نقش بهاصطلاح "نجات دهنده" خلقهای عرب را برای خود دست وپاکند، ودرحقیقت زیر این پرده هرچه بیشتر در این منطقه از جهان نفوذ کرده، مواضع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را تحکیم نماید توطئه گران آمریکائی چنین حساب می‌کنند: هرچه درجهان اسلام ترس و هراس از اتحاد شوروی بیشتر باشد، بهمان اندازه هم دخالت و به اصطلاح "حمایت" آمریکا بیشتر قابل توجیه می‌شود.

درصورتیکه در واقع، برخلاف ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی به هیچوجه ادعائی نسبت به ثروتهای طبیعی ومنابع نفتی کشورهای دیگر نداشته، ومانند ایالات متحده آمریکا، آن سرزمین‌ها را "مناطق منافع حیاتی" خود اعلام نکرده ونمی‌کند. هیچگاه وهیچکس در اتحاد شوروی درباره "برقراری نظارت و کنترل برمنابع نفت دیگران سخن نگفته ونمی‌گوید، برای دیکته کردن شرایط خود به دیگران جهت خرید و فروش نفت در بازارجهانی سعی نکرده ونمی‌کند. درصورتیکه نمایندگان رسمی دولت آمریکا بکرات به چنین کاری دست زده‌اند. آنها سرزمین‌های نفت خیز دیگران را "مناطق حیاتی" آمریکا اعلام کرده‌اند. وچنانکه واقعیات روزانه نشان داده‌است، این اظهارات آنها تنها گفتار وبیانیه نیست. آنها اظهارات خود را با فعالیت‌های گسترده نظامی همراه کرده‌اند. آنها به نمایش قدرت وتمرکز ناوگان‌ها و دیگرنیروهای نظامی خود در حوضه خلیج فارس وکشورهای منطقه پرداخته‌اند، به مانوورهای نظامی وآموزشهای مشترک نیروهای آمریکا و مصر در منطقه دست زده‌اند.

آیا بازهم دلایل دیگری لازم است تا نشانداده شود که چگونه دولت آمریکا باتمام وسایل سعی دارد که کشورهای عربی ودیگرخلقهای منطقه را زیرفشار روحی دائم‌التزاید قرار داده تا باتحریک، توطئه، خرابکاری آنها را ازلحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ونظامی زیرسلطه خویش گیرد؟ آیا هنوز وقت آن نرسیده‌است که درکشورهای منطقه بالاخره به ماهیت پلید این بازی که دستگاه‌های جاسوسی، دیپلماسی ورسانه‌های گروهی آمریکائی در خاور میانه ونزدیک بدان دست زده‌اند، پی برده شود؟ ونتایج لازم گرفته‌شود■

هشتادمین سالروز تولد آنازگرس

نویسنده نامی جمهوری دموکراتیک آلمان

آنازگرس درسال ۱۹۰۰ در آلمان تولد یافت وازسنین جوانی فعالیت ادبی خود را آغاز نمود. پرثمرترین دوران فعالیت این نویسنده مصادف بود با دوران تسلط دیکتاتوری سیاه فاشیستی درآلمان وآغاز اجرای نقشه‌های تجاوزی‌فاشیسم هیتلری برای تسخیر اروپا و جهان.

در آثار آنازگرس که یکی ازنمایندگان برجسته هنرداستان‌نویسی به سبک رئالیسم سوسیالیستی است اندیشه وآرمانهای توده‌های زحمتکش مبارزه علیه دیکتاتوری فاشیستی وجنگ ودفاع ازصلح و بهروزی خلقها بازتاب یافته است. آثاروی که بیانگر و نموداری از حد اعلای هنرمندی‌است سرشار از احساسات انسانـدوستانه، ومشحون از اندیشه‌های همبستگی و انترناسیونالیسم می‌باشد. در آثار این هنرمند برجسته مانند "رمان هفتمین صلیب"، "مرده‌ها جوان می‌مانند"، "تصمیم" وداستانهای "قیام ماهیگران"، "باران مقدس"، مجموعه‌های "نیش زنبور"، "نان ونمک" ودرام "محاکمه ژاندارک"، دیوسیاه فاشیسم بعنوان دشمن بشریت تجسم یافته و از آزادی وصلح وسعادت خلقها دفاع شده است. آنازگرس درسال ۱۹۵۹ به جایزه ملی جمهوری آلمان دموکراتیک وسپس مدالهای میهن ولیاقت نائل آمده‌است.

یکی از آثار آنازگرس که درسال ۱۹۴۸ انتشاریافت، "مرد شوروی" نام دارد. درزمان انتشار این اثر هنوز جمهوری دموکراتیک آلمان در نقشه جغرافیائی وجود نداشت. آنازگرس درباره این سالها می‌نویسد: "قلوب مردم نیز مانند شهرهائیکه در آنها زندگی می‌کردند ویران وبی رمق بود". آنازگرس پس از مسافرت دوم خود به اتحاد شوروی این اثر را نوشت اولین مسافرت وی درسالهای قبل از جنگ دوم جهانی بود واین بار نه تنها سالهای متمادی ازآن زمان‌گذشته بود بلکه میهن وی آلمان‌و اتحاد شوروی‌جنگ جهانی دوم را از سر گذرانده بودند ودرهمین روزهای دشوار پس از جنگ بود که آنازگرس به اثرخود عنوان "مردم شوروی" را میدهد.

آنازگرس درسالهای ترور فاشیستی باهمسر خود به جنبش مقاومت ضد فاشیستی پیوست وناگزیر شد میهن خود راترک وبه فرانسه مهاجرت کند. زمانیکه آنازگرس به فرانسه‌مهاجرت نمود، سرزمین فرانسه در اشغال آلمان هیتلری وزیرچکمه‌های ارتش هیتلر پایمال می‌شد وخیابانهای پاریس مملو از فراریان و اسیران جنگی بود. آنازگرس چند بار تلاش کرد از پاریس خارج شود ولی موفق نشد واز بیم پیگرد به آشنایان خود در پاریس پناه آورد ودرهرلحظه، زندگی او و فرزندانش درخطرمرگ بود. شوهر آنا به همراه دیگر مبارزان ضد فاشیسم دریکی از اردوگاههای مرگ در بازداشت به سرمی‌برد. آنازگرس درخاطرات خود ازآن‌سالها می‌نویسد: "بنظرمی‌رسید که دنیا به آخررسیده ودرجهان نیروئی وجود ندارد که فاشیسم را متوقف سازد و بشریت را ازاین طاعون نجات دهد. سرانجام آناموفق‌شد از پاریس به مارسی برود و اثرخود رابه نام "هفتمین صلیب" که یکی ازبهترین آثاراوست بپایان برساند این اثر درسال ۱۹۴۱ زمانیکه ارتش هیتلرتاحومه‌های پیرامون مسکو پیشروی کرد بود به زبان روسی ترجمه وانتشاریافت.

مواضع ضد فاشیستی آنازگرس با اندیشه‌هاونیات ومبارزه او درراه صلح پیوند ناگسستنی دارد. آنا جنگ رابرای توده‌های زحمتکش خلقها مصیبتی بزرگ میداند. پس از شکست آلمان هیتلری آنازگرس که‌یکی از پایه‌گذاران جمعیت هواداران صلح است تمام فعالیت و نیروی خود رادرراه دفاع ازصلح بکاربست آنازگرس در این بارنوشت "من مانند یک کمونیست، نویسنده و مادرتمام امکانات وتوان خود را در راه دفاع ازصلح بکار خواهم بست". درسال ۱۹۴۸ درکنگره بین المللی شخصیتهای ادبی و فرهنگی که‌در بریراتسلاو (چکسلواکی) برگزارشد، آنازگرس به عنوان عضو کمیته ابتکار انتخاب گردید که این کمیته مقدمات تشکیل نخستین‌کنگره جهانی هواداران صلح در پراگ وسپس در پاریس را فراهم‌نمود.

آثارادبی ومقالات آنازگرس به دهها زبان‌خارجی ترجمه وطبع و نشرشده‌است. ودراین سال‌آنازگرس هشتادمین‌سال تولد خود را با میلیونها نفرازخوانندگان آثارخود که اورانویسنده‌ای برجسته، انسان دوست وشخصیتی بارز درراه‌دفاع ازصلح وبهروزی‌انسانهامی‌دانند برگزارمی‌کند■

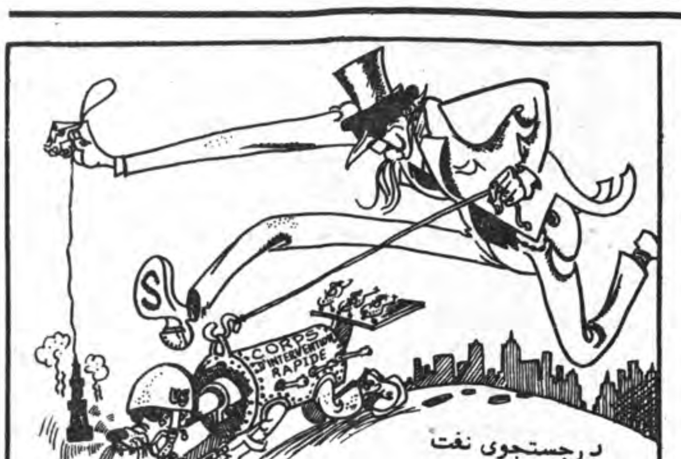
بقیه از صفحه ۲

بورژوازی سازشکار...

ـ هایشان رادراقتصاد مصرسرمایه‌گذاری کنند. براساس فرمانی‌که بتازگی صادرشد بانکهای خارجی باید ۱۵٪ ذخایرشان را به ارزآزاد قابل‌تبدیل به بانک مرکزی مصر بسپارند. اماسرمایه‌های خارجی گوششان به این حرف ها و مقررات بدهکارنیست در حقیقت دربرابرآن همه قیدوبند هائی که اقتصاد مصر در قبال انحصارات امپریالیستی دارد، گفتگو ازقانون ومقررات یاوه‌ای بیش نیست. فرمانروایان مصرچگونه‌می‌توانند دربرابر این نوع نقض‌مقررات عکس العملی نشان دهند؟ بعکس آنها تسهیلات جدید برای آنها قائل شده‌اند.

مدیرسرمایه‌گذاری‌های مصر که‌فعالیت وام دهندگان خارجی رابا طرح های‌دولت هماهنگ می‌سازد، اختیاراتی برای آنها قائل شده که به آنها حق میدهد که‌استراتژی رشداقتصادی مصر راتعیین کنند.

محافل دموکراتیک مصراین تصمیم‌را گام جدیدی برای انقیاد روزافزون مالی کشور می‌بینند. این محافل خواستارند که‌بخدمت بانکهای خارجی برای استحکام اقتصاد مصر ورهائی‌آن ازسلطه انحصارگران‌مالی خاتمه داده شود. آنها اعلام میدارند تا



در جستجوی نفت

شرکت فعال درجنگ عادلانه برضد دولت متجاوز عراق یك وظیفه انقلابی است!

زمانی که خداوندان خیانت به آرمانهای انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ برمسند قدرت نشسته‌اند، مصر ازقید امپریالیسم وصهیونیسم‌نجات نخواهد یافت. بورژوازی سازشکار ولیبرال‌مصربه رهبری سادات خائن به انقلاب ضد امپریالیستی مصر خیانت کرد واین کشوررا به جولانگاه نظامی‌وسیاسی وفرهنگی واقتصادی امپریالیسم تبدیل نمود■

بقیه از صفحه ۱

مسابقه تسلیحاتی...

چارچوب پیمان آتلانتیک شمالی، این بلوک عمده سیاسی ونظامی جهان سرمایه‌دار مدام شدت می‌یابد. متحدان آمریکا دیگر اراده خود را در استقلال بیشتر در سیاست خارجی وبرای حفظ وتحکیم روند تشنج‌زدائی که وسیعا به سود آنهاست پنهان نمی‌کنند.

— کشورهای سوسیالیستی به رشد کامیابانه خود ادامه داده، قدرت اقتصادی خود را افزایش می‌دهند، همکاری سیاسی، اقتصادی، علمی وفنی شان را استحکام می‌بخشند و پیوند سازنده خود را در همه زمینه‌ها باکشورهای در راه رشد توسعه می‌دهند. توده‌های خلق بطور روزافزون از سیاست صلح وخلع سلاح پشتیبانی می‌کنند.

نظامی شدن اقتصاد آمریکا

تلاشهائی که امپریالیسم آمریکا برای بازگرداندن روند — های مذکور از راه جنگ ومیلیتاریسم به عمل می‌آورد، **موقعیت ایالات متحده، مخصوصا موقعیت مردم این کشور در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی وسیاسی بیش از پیش** وخیم می‌سازد. در عین حال اقدامات واشنگتن موجب تسریع کنش نیروهای گریز از مرکز در درون پیمان آتلانتیک می‌شود ومخالفت فزاینده خلقهای جهان را برمی‌انگیزد.

هنگامی که کارتر برمسند قدرت نشست به وعده انتخاباتی خود در زمینه کاهش هزینه‌های نظامی وفا نکرد. اما از آنجا که افزایش‌ها در صنایع سنگین متمرکز شده بود، لذا هزینه‌های نظامی مربوط به موقعیت های بحرانی به سرعت افزایش یافت. در حقیقت، افزایش تولید ابزارهای **جنگی که از سال ۱۹۷۸ به بعد به میزان ۱۰٪ در سال** بوده است، اکنون وارد مرحله افزایش سریع‌تری می‌شود.

کارتر پس از در پیش گرفتن اسلوب هائی که در دوران جنگ سرد بکار می‌رفت، در طرح بودجه سال مالی ۱۹۸۱ که در ژانویه ۱۹۸۰ تقدیم کنگره نمود از تزهای قدیمی — اش عدول کرد و هزینه‌های نظامی را ۵٪ (به قیمت های واقعی) افزایش داد. او درخواست کرد به پنتاگون اجازه داده شود که در سال مالی ۱۹۸۱ تا ۱۶۱/۸ میلیارد دلار قرارداد امضاء کند. این رقم ۲۰ میلیارد دلار از اعتبار ۱۹۸۰ بیشتر است.

کارتر وکنگره میلیاردها دلار به بودجه نظامی ۱۹۸۱ اضافه کردند. تا جائی که جمع مبلغ مورد استفاده در ژوئن گذشته به ۱۷۱/۳ میلیارد دلار رسید. این افزایش در **حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال است، یعنی بیش از ۲۰٪**

اما این پایان ماجرا نیست. "بازهای" راست افراطی در کنگره مشوق بازهم بیشتر هزینه‌های نظامی هستند، حال آنکه لیبرالهای ضد شوروی به بهانه این که تاکنون افزایش اعتبارات نظامی برای انباشت سلاحها مورد **استفاده قرار گرفته، می‌طلبند که سایر فصول بودجه نظامی** بطور متوازن افزایش یابد.

این یک افزایش بی‌سابقه نظامی‌گری در زمان صلح است ومشخصات مشابهی باتجهیز زمان جنگ دارد. این قیاس باتوجه به قانون جدید کنگره که به رئیس جمهور اختیار قانونی می‌دهد افراد را به خدمت وظیفه فراخواند، بیش از پیش مسجل می‌شود.

آنچه مخصوصا موقعیت کنونی ایالات متحده را مشخص می‌دارد این واقعیت است که افزایش بودجه نظامی از محل اعتبارات دولتی برای نیازهای اساسی غیرنظامی تأمین می‌گردد. بنابراین، تنها زندگی مردم آمریکا، مخصوصا زندگی قشرهای خیلی فقیر جمعیت که در محله‌های محصور پست زندگی می‌کنند، قربانی سیاست نظامی‌گری می‌شود.

هدف از سیاست افزایش بودجه نظامی رام کردن متحدین آمریکا در تا تود رزمینه هدف های سیاست خارجی این کشور وتبعیت آنها از نمونه ایالات متحده در مسابقه تسلیحاتی است. اما هدف اساسی این سیاست تأمین برتری نظامی در مرحله "ضربه نخست" در چارچوب تدارکات برای براه انداختن جنگ هسته‌ای برضد شوروی وتشکیل "نیرو — های واکنش سریع" برای تجاوز به خاورمیانه ودیگر مناطقی است که شرکتهای آمریکائی در آنجا فعالیت می‌کنند.

ایالات متحده آمریکا به بهانه این که در کامپیوتر سیستم فرماندهی دفاع هوائی این کشور "اشتباه" روی داده باداد آماده باش اتمی "می‌آزماید" تا چه فاصله‌ای می — تواند برای حمله موشکی به شوروی آماده شود بدون این‌که فرصت واکنش به این کشور داده باشد. این اقدام به پنتا — گون امکان داده است که بطور منظم بمب افکنهای آمریکائی را که مجهز به سلاح اتمی هستند بطرف مرزهای شوروی گسیل دارد **وبشریت را در دو قدمی بروز فاجعه اتمی** قرار دهد که فرصتی برای پیشگیری آن نباشد.

در حالی که کارتر می‌کوشد رسوائی مسابقه تسلیحاتی را با "وقایع افغانستان" و ایران یا "خطر شوروی" توجیه کند، حقیقت امر توسط مطبوعات بورژوائی راستگرا که مشوق او در این سیاست اند، از پرده بیرون می‌افتد.

هفته‌نامه **بیزنس ویک** در ۹ ژوئن ۱۹۸۰ نوشت: در زمینه استراتژیک مسأله‌ای که کارتر باآن روبروست این است که اروپای غربی را متقاعد سازد که از سیاست پیشین خود مبنی بر عقب نشینی آمریکا برای همیشه دست شسته است... واحیاء پیمان آتلانتیک شمالی در سطح وسیع — تر محتملاً به این نیاز دارد که ایالات متحده بکوشد مجددا برتری خود را در تسلیحات استراتژیک برقرار کند. برای نیل به این هدف آنها خواهند توانست از قرارداد آمریکا — شوروی سال ۱۹۷۲ که سیستم‌های دفاع ضد موشکی را منع می‌کند، صرفنظر نمایند".

الیاس م. شواد ز بارت حقوقدان راستگرا در نامه خود که در ۳ ژوئن ۱۹۸۰ در جای نمایانی در **نیویورک تایمز** منتشر شد گسترش سیستم موشکهای MX را به این دلیل مورد تشویق قرار داد که "قادر است مقدمتا نیروهای استرا — **تژیک خصم را مورد حمله قرار دهد وبدین سان موازنه** وحشت را برقرار نماید".

ویلیام سافیر مفسر **نیویورک تایمز** در شماره ۲۳ مه ۱۹۸۰ این نشریه محاصره دریائی ایران و "از کار انداختن "بندر **نفتی جزیره خارک** (با بمباران‌ها)، **ولغو امضای ایالات** متحده در پای سند نهائی هلسینکی را خواستار شد تا بتوان در تجدید نظر در نقشه اروپای شرقی به زیان کشورهای سوسیالیستی، منجمله اتحاد شوروی اقدام نمود.

تشدید واگشت اقتصادی

"اقتصاد ایالات متحده در حالت "سقوط آزاد" قرار دارد: همه شاخه‌ها بی آنکه بتوانند چترنجات را بگشایند سقوط می‌کنند. تکرار می‌کنم: همه شاخه‌ها به جز شاخه‌ای که به تولید اسلحه می‌پردازد در حال سقوط اند. این موضوع بسیار پرمعناست، زیرا در گذشته افزایش سریع تولید سلاحها وهزینه‌های نظامی بطور کلی برای فعالیت اقتصادی محرك مهمی بشمار می‌رفت. بنابراین روشن است که ایالات متحده دیگر نمی‌تواند سیاست "توپ وکره" را بهم درآمیزد. واز این پس ناچار است برای افزایش هزینه های نظامی از هزینه‌های شاخه‌های غیرنظامی اقتصاد ملی بکاهد.

علی رغم افزایش سالیانه تولید سلاحها که بیش از ۱۰٪ است، حجم کلی تولید صنعتی ایالات متحده در مقایسه با حداکثر سطح گذشته ۱۵٪ وحتی بیشتر کاهش یافته است. تنها در فاصله سه ماه (مارس — ژوئن ۱۹۸۰) یك میلیون نفر در این کشور بیکار شدند. می‌توان با اطمینان گفت که به زودی شاخص رسمی بیکاری از ۹٪ دوره بحران ۱۹۷۵ — ۱۹۷۴ که شدیدترین بحران پس از جنگ بود، خواهد گذشت.

حال این سئوال پیش می‌آید که چرا مسابقه تسلیحاتی که در گذشته محرك موقتی اقتصاد بود، امروز موجب کاهش فعالیت اقتصادی ایالات متحده شده است؟ در این باب چند چیز قابل توجه است: در دوران گذشته، مثلا در دوره جنگ کره و ویتنام، امپریالیسم آمریکا توانسته بود قسمتی از هزینه‌های نظامی کردن کشور را باتشدید غارت کشورهای در راه رشد جبران کند. وانگهی سرمایه‌داری آمریکا از تضمین تحویل نفت وسایر مواد اولیه ارزان قیمت برخوردار بود و در پرتو سرمایه‌گذاری‌های چند ملیتی های ایالات متحده در کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی وکشورهای در راه رشد سود های اضافی گرد می‌آورد.

در حال حاضر با وجود **افزایش سود های خارجی انحصارات** امپریالیستی، درآمد های خالص کلی امپریالیسم آمریکا تحت **تأثیر افزایش پیاپی بهای نفت وهمچنین عواملی که باعث** خرابی شرایط بازرگانی ایالات متحده وسایر کشورهای سرمایه‌داری می‌شود، رو به کاهش است.

نتیجه کلی تمرکز استعداد های علمی، پژوهشی و مطالعاتی در قلمرو نظامی وهمچنین تمرکز سرمایه‌گذاریها در خارج، به خطر افتادن تولید صنعتی ایالات متحده و تضعیف رقابت وی با رقیبان اروپای باختری وآسیائی بوده است. موازنه تجارت محصولات کامل صنعتی بیش از پیش به ضرر ایالات متحده برهم می‌خورد وموجب پائین آمدن سطح اشتغال وکاهش فعالیت صنعتی در کشور می‌شود.

هزینه‌های روزافزون نظامی نتایج تورمی شدیدی داشته است. مالیات برسود های کمپانی ها ودارائی های کلان دائما کاهش می‌یابد ومحدودیت هائی که قبلا برای جلوگیری از اعمال نفوذ انحصارات در رقیمت های محصولا — تشان وجود داشت، عملا ازبین رفته است. دنیای سرمایه — داری از تورمی که "دلارهای اروپائی" ایجاد می‌کنند و گردش عظیم بین المللی سرمایه‌ها به لرزه درآمده است. **از همان نخستین ماههای ۱۹۸۰ نرخ تورم در ایالات متحده بطور بی‌سابقه‌ای رشد یافت وبه ۲۰٪ در سال بالغ گردید. به همین ترتیب نرخ تنزیل به سطح بی‌سابقه‌ای رسید.**

جو نظامی‌گری وشونیسم افراطی موجب آلودگی طبقه کارگر شده اورا به تفرقه می‌اندازد وتوجهش را از دشمنان واقعی‌شان منحرف می‌سازد. سرمایه‌داران بااستفاده از هیستری سیاست ضد شوروی دولت آمریکا به تعرض خود برضد منافع اقتصادی خلق وسعت می‌دهند. در حالی که سود های انحصارات ایالات متحده در سه ماه نخست ۱۹۸۰ به سرعت افزایش یافت، درآمد های واقعی جمعیت باآهنگ بی‌سابقه‌ای پائین آمد. از ۱۹۷۲ تا نیمه اول ۱۹۸۰ مزد واقعی کارگران بخش خصوصی برای یك هفته کار ۲۰٪ کاهش یافت ونیمی از این کاهش یعنی ۱۰٪ پس از پایان ۱۹۷۹ بثبت رسیده است.

یك خصلت ویژه این است که اگر پیش از ۱۹۷۹ تنزل (کُند) درآمد های مردم از راه استخدام دیگر اعضای خانواده جبران می‌شد، امروز عکس آن جریان دارد. با تشدید بیکاری، اعضای فعال خانواده از بازار کار رانده می‌شوند. این وضع مخصوصا شامل زنان، جوانان، افراد مسن وسیاهان است.

علاوه براین، اقدامات دولت در زمینه تخفیف بیکاری وفقر محدود می‌شود و در نتیجه این درد و رنج هاتوده مردم را زیر ضربه قرار می‌دهد. مثلا کنگره در بودجه ۱۹۸۱ که به تصویب رئیس جمهور رسید، تعداد شغل ها را که دولت برای بیکاران ایجاد می‌کند از ۷۲۰ هزار به ۴۰۰ هزار تقلیل داد. این برنامه‌های دولتی **درصد کمی از بیکاران را جذب می‌کنند. باوجود این، باکاهش** — های جدید شغل آنهائی که به موهبت برنامه‌های فوق — العاده توسعه شغل استخدام شده بودند، به صفوف افراد بیکار در مقابل مؤسسات خصوصی پیوستند.

در ایالات متحده بیش از ۵۰ میلیون فقیر که ربع جمعیت را تشکیل می‌دهند، از راه کوپن‌های غذا که آن را رایگان یا نیم‌بها دریافت می‌دارند، زندگی می‌کنند، یا این که به برنامه — های تقسیم موادغذائی متکی هستند. با اطمینان می — توان گفت که جیره غذائی این اسیران دنیای سرمایه کالری بسیار ناچیزی دارد. با این همه کمك ناچیز درست در لحظه بحران اقتصادی که بیش از هر وقت دیگر به آن نیاز دارند، شدیدا کاهش یافته است.

بدین سان علی رغم زندگی در شرایط صلح میلیونها مرد وزن با محرومیت های ویژه زمان جنگ روبرو هستند. می — توان گفت که نخستین قربانیان سیاست میلیتاریسم خلق آمریکاست. پنتاگون و "شرکتهای بزرگ" با زحمتکشان آمریکا به جنگ برخاسته‌اند تا برای تأمین سود بیشتر جنگ جهانی جدیدی را تدارك ببینند.

جنگ اقتصادی ایالات متحده برضد اتحاد شوروی و ایران، منع تجارت باکوبا، ویتنام و چند کشور دیگر اقتصاد آمریکا را هرچه بیشتر متزلزل می‌سازد. دستگاه رهبری آمریکا می‌پنداشت با قطع فروش غله دامی به اتحاد شوروی مردم این کشور را از گوشت محروم خواهد ساخت. اما همانطور که **نیویورک تایمز** نوشته است: یکی از نتایج عمده **این اقدام کاهش مهم درآمد های واقعی مزرعه‌داران آمریکائی به میزان ۲۵٪ بوده است.**

مجله آمریکائی **نیویورك اند ورلد ریپورت** در شماره ۱۶ ژوئن گذشته تحت عنوان "ناکامی مجازات های آمریکا برضد روسیه" در این باره نوشت: "برنامه پرزیدنت کارتر برای مجازات اتحاد شوروی تاکنون به آمریکائی ها بیشتر از روسها صدمه زده است... محدودیت های بازرگانی برای روسها دشواری ناچیزی ایجاد کرده، اما برای مزرعه‌داران آمریکا — ئی وبسیاری از شرکتهای صنعتی ایالات متحده ضررهای فاحشی در پی داشته است".

دهها سال است که استعداد های علمی، پژوهشهای اساسی و مطالعات آمریکا در قلمرو نظامی متمرکز شده است. تعداد بسیار محدودی از انحصارات به پژوهش های اساسی یا مطالعات در امور غیرنظامی می‌پردازند. در عین حال پایگاه‌های نظامی وناوگان های ایالات متحده در خارج، انحصارات این کشور را ترغیب می‌کند که با صدور سرمایه تولید صنعتی را در کشورهای دیگر افزایش دهند. از این رو، آنها تولید را در ایالات متحده کاهش می‌دهند،

بقیه در صفحه ۵

پرچمدار

صمد ورغون

آنگاه که آشیانهٔ انسانها
در آتش سوخت و
خونهای سرخ روان گشته
شرارهٔ انتقام افکند،
آنگاه که شمشیرها دیگر
در غلافشان نگنجید،
در نخستین روزهای بهار
به ذات زیبائی،
به درههای پهناور،
به دامن کوهساران سوگند خوردیم.
سحرگاهان به کانون پدران
سوگند خوردیم...
قهرمانان، گروه گروه، صف به صف
راه پیمودند.
خاک گفت: "صاحبی دارم."
آسمان غرید: "بختتان یار!"
نهرهای روان آن روز،
برسم اسبان بوسه زدند.
آن روز، از کنج هر خاطری
توفانی برخاست.
آواز تو نیز که ساز و برگ جنگی داشتی
در کوهساران پیچید.
تو هنگام وزش باد،
گاه درگرفتن بوران،
هنگام فرود آمدن آتش از آسمان
و برخاستن دود از سنگها،
در جبهه‌ها بودی.
شب ظلمانی، افق سیاه،
جبههٔ آسمان درهم.
قلب زمین پر تپش
عرصهٔ تاخت و تازهاست.
شب ظلمانی، افق سیاه،
در تاریخ چه‌ها که رخ نمی‌دهد!
هواپیماها به پرواز درمی‌آیند و تانکها نیز...
از غرش دلاوران،
باروت می‌بارد، دود می‌بارد.
سراسر جهان در خون شناوراست
و نفس آسمان کهن سنگین.
عقاب پیر در زنجیر،
بالهایش در قفس،
دیدگان اندوهگینش بر راه
می‌گوید: "برخیز، برخیز!
انتقامت را بگیر!
برخیز که عمرم در تنگناست،
رنگم در انتظار پژمرده.
آزادیم کو؟
بزم و شادیم کو؟
دوستان و یارانم کجایند؟
آیا گذشته را بازخواهیم یافت؟
مدافعان بازخواهند گشت؟
بازخواهند گشت! امیدوارم!
زمین می‌لرزد، آسمان می‌غرد
قهرمانان حمله آغازیده‌اند.
پهلوانان زره برتن،
پرجوش و خروش چون دریا.
دشمن ستمکار، آلمان ستمکار!
در زمستان سرد و یخ صفت،
دشمن به سان کوری
دست به گریبان با مرگ،
نصیبش بلا
هستی‌اش مرگ
وگریزان از او سعادتها.
آلمان خوک صفت،
می‌تازد چون گراز زخم خورده،
و هرسو را به آتش می‌کشد.
خون می‌لیسند سطح سنگها.
تانکها، هواپیماها هجوم می‌آورند.
دره‌های تنگ پر طنین
شمشیرها در خون شناور.
گروهی کشته، پاره‌های تن افتاده برخاک.
زمان باشتاب می‌گذرد.
یاران یکدل، جدا افتاده ازهم...
یکی می‌میرد از نخستین گلوله،
به سرغلتیده از آخرین پلهٔ حیات.
این یک، پیشانی‌اش خون آلود،
با اندام پولادین، سه نشان برسینه دارد...
برتاریکی می‌شورد،
آنی از حرکت بازنمی‌ایستد.
می‌گوید: "رفیق، نگران من مباش،
بیم به دل راه مده، خون از تن رفته
جانم را نمی‌ستاند.
اگر اندکی درنگ کنم،
دشمن پتیاره پا می‌گیرد.
دوستان، برخیزید!
فوج فوج به سان شاهین
حمله‌ای دیگر آغازید!..."
خونهای گرم برزمین فرومی‌ریزند،
از شمشیرها شراره می‌بارد،
از لرزش توپهای گرسنه،
از صدای هراس انگیز شلیکها
چهارسوی افق می‌لرزد.
مردی باید و پایداری!
فوج فوج به سان شاهین،
به حملهٔ دیگری دست می‌یازند.
آلمان می‌گریزد، چه گریزی!
پاره‌ای از پای درمی‌آیند،
برخی پا به فرار می‌گذارند.
ایست! جلاد، راه برتو بسته است!
ساز و برگ رها شده برسنگ و خاک،
مرگ نابهنگام زندگان.
انتقام مادران،
داغ عزیزی بردل...
اما آلمان خبرندارد.
تنش چون مار فسرده
در واپسین دم نیز
گاه می‌لغزد و گاه می‌پیچد.
همچنان در گریز، هزاران خانه را
سر راهش به آتش می‌کشد.
نگاه کن! خانه‌ها می‌سوزند!
دود به آسمان بلند است.
انبارها، کشتزارها،
کشتیهای شناور در رودخانه‌ها
میان شعله‌های آتش می‌سوزند.
همهٔ چیزهای شگفت انگیز وزیبا،
هزار و یک اثر و آرزو،
به آتش کشیده می‌شوند.
هزاران کودک و زن و مرد پیر
از خان و مان آواره گشته‌اند.
زود آتشها را خاموش کنید!
تا از هوس منحوسشان
سبزه زاران به زردی نگرایند،
و قرنفلها و یاسمنها!...
خورشید می‌خندد، سحر می‌خندد،
های... خودیها آمدند!
هنگام جنگ، بال و پر عقاب پیر
نیرو می‌گیرد، تیر را رها می‌کند و
زنجیرهای زنگ زده‌اش
دردم برخاک می‌ریزند...
خلقها گل و غنچه در دست،
به پیشواز می‌شتابند،
همدل و همزبان،
و زبانها پر ز تحسین.
قهرمانان ما، گروه گروه
با افتخار ره می‌سپارند،
با وقاری کوه سان
قاه قاه می‌خندند.
آن تانک ران سیه چشم و ابروی
شاهین وش را نگاه کن،
از شادی اشک از دیده می‌بارد.
چالاک بربام بلندی می‌رود
و پرچم را بر آن می‌نشاند.
همهٔ مردم شهر نگاهش می‌کنند.
سحرگاه گلگون پیروزی،
سپیده دم، چون مادری
برآن پرچم بوسه می‌زند.
قلب بزرگ آزادی
به سان عقاب بال می‌گشاید
وچون خورشید نور می‌پاشد.
آن سیه چشم شاهین وش
آن قهرمان خنده روی محبوب
آن نام آور زمان، کیست؟
پیکر دلاور و مردانه‌اش
به سان دژ کوراوغلی است.
فرزند آذربایجان،
تو از دیاری مقدس
شاهین وش برآمده‌ای
از فراز صخره‌های کوهساران
شاهبازان را آواز داده‌ای!
تو بهار شکفتهٔ عشق و محبتی!
تو به این شهر کهنسال
برادروار پا گذاشتی و
پرچم خورشید گون را
در سحرگاهان آزادی آویختی.
دست مردانه‌ات مریزاد!
عشق و آرزوی پاکت
افسانه خواهد شد و
و دهان به دهان خواهد گشت.

سپتامبر ۱۹۴۳

ترجمه: بدرالدین مدنی

بقیه از صفحه ۴

مسابقهٔ تسلیحاتی...

زیرا آنها تشخیص داده‌اند که قدرت خرید مردم آمریکا پایین می‌آید و دورنماها در ایالات متحده برای رشد مهم و بادوام اقتصادی نامساعد است.

کشورهائی چون ژاپن که هزینه‌های نظامی‌شان یک دهم آمریکاست خیلی زود به رشد فنی و افزایش بهره‌وری کار دست یافته‌اند. صنایع ژاپن توانسته‌اند سه بار بیشتر از صنایع آمریکا ماشین را جانشین نیروی کار انسان سازند. این گرایش‌ها قدرت رقابت محصولات آمریکائی را در بازار جهانی تضعیف نموده و تأثیر نامطلوبی بر فعالیت صنعتی آمریکا و سطح اشتغال آن دارند.

امروزه درحالی که ایالات متحده به بحران جدید اضافه تولید گام نهاده این گرایش‌ها به سطح کیفیتا متفاوتی رسیده‌اند. این کشور در زمینه کاهش محسوس و محسوسات در شاخه‌های اساسی تولید با یک اپیدمی واقعی روبروست و این وضع گریبانگیر بسیاری از کارخانه‌های انحصارات غول پیکر است که تا همین اواخر از کارخانه‌های بسیار بزرگ بشمار می‌رفتند. بیشترین قربانیان این اپیدمی صنایع اتومبیل‌سازی بوده‌اند.

بسیاری از کارخانه‌های متعلق به کمپانی‌های جنرال موتورز و فورد بیشتر کارخانه‌های کرایسلر وخیلی از موسسات تولیدکنندهٔ لاستیک، قطعات یدکی اتومبیل و غیره دچار چنین وضعی شده‌اند. هم اکنون در صنایع اتومبیل‌سازی ۳۰۰ هزار بیکار وجود دارد، برای اغلب آنها هیچ دورنمائی برای یافتن کار در رشته تخصصی‌شان وجود ندارد. زیرا کارخانه‌های آنها یا بکلی تعطیل شده‌اند یا تولید خود را برای مدت نامعلومی بسیار تقلیل داده‌اند. ازسوی دیگر در این اوضاع واحوال ملاحظه می‌شود که جنرال موتورز و فورد در کشورهای دیگر دست به تأسیس کارخانه‌هائی زده، کرایسلر هم ظرفیت تولیدش را در مکزیک توسعه داده است.

اوایل امسال هنری کوفمان یکی از اقتصاددانان وال استریت در نشست اتحادیهٔ بانکداران اعلام داشت: "من به عنوان یک اقتصاددان به این نتیجه رسیده‌ام که ما در منجلابی فرورفته‌ایم که بیرون آمدن از آن بدون دویدن مخاطره‌آمیز وستردن ضایعات ممکن نیست. من به عنوان یک آمریکائی با ترس و وحشت اقرار می‌کنم که کشورما چقدر دچار بی‌ثباتی شده است... باید باور کرد که ما از راهی

بقیه در صفحه ۸

اتحاد مردم

شماره ۶۳ دوره دوم دوشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱

عملکردهای سیا...

عملیات سیا تحت هر پوششی که باشند و هر شکلی به خود بگیرند همه طی دهها سال مبارزه با نیروهای سوسیالیسم، دموکراسی، جنبش رهائی ملی و پیشرفت اجتماعی به یک سبک بوجود آمده اند. مقایسه عملیات سیا برضد ایران و افغانستان با عملیاتی که این سازمان در ۱۹۵۶ برضد کوبا و در سالهای ۷۶ – ۱۹۷۵ برضد آنگولا انجام داد، در این مورد متقاعد کننده است.

همیشه سهل اصلی توطئه وتجاوز در خارج از کشور قرار دارد. چنانکه گواتمالا و نیکاراگوئه سوموزا برضد کوبا، نامیبی زیر سلطه جمهوری نژادپرست آفریقای جنوبی و زئیر برضد آنگولا وعراق و پاکستان برضد ایران و افغانستان مورد استفاده قرار گرفته اند. نقاط اتکاء همیشه مستور باقی می مانند مثلا در گواتمالا برای این کار کشتزارهای میان جنگل انتخاب شده اند. برای تشکیل باند های خرابکار غالبا سعی می شود از اقوام چادرنشین وناآگاه که قربانیان رژیم های مستبد و استعماری اند استفاده شود. احساسات مذهبی وقبیله ای در سازمان دادن این باند ها در مرکز توجه قرار دارد. مثلا سیا برای تشکیل باند های جدائی طلب آنگولائی کوشیده است از روابط قبیله ای که بین اقوام مرزی آنگولا، زئیر ونامیبی وجود دارد بهره برداری کند. در پاکستان زیر "سقف" "اردوگاه پناهندگان" دهها هزار افغانی به زور یا به تزویر گرد آمده اند. در ایران منطقه کردستان برای فعالیت باند های مزدور وضد انقلابی انتخاب شده است. این باند ها بنام دفاع از "حقوق اقلیت های ملی" مردم ساده را برضد حکومت مرکزی تحریک می کنند.

پس از آن که سیا هشت تن از افسران خود را هنگام عملیات در خلیج خوک ها در کوبا از دست داد، با احتیاط بیشتری عمل می کند. از این رو، سیا برای تشکیل ارتش مهاجم از اتباع همان کشورها استفاده می‌کند. سیا در تعلیم مزدوران، مسلح کردن آنها و القاء ایدئولوژی ساخته وپرداخته در آنها نقش فعال دارد وبه این باند ها وعده پیروزی سریع می دهد که در صورت بدست گرفتن قدرت از "کمک" های فراوان ایالات متحده برخوردار خواهند شد.

بسیار پرمعناست که از یک فعالیت تا فعالیت دیگر عده اعضای هیأت نظامی وابسته به سیا افزایش می یابد. "متخصصین" سایر کشورها نیز به این هیأت ها می پیوندند در عملیات ضد انقلابی برعلیه افغانستان آنها از چین، پاکستان، مصر و کشورهائی که به نحوی از انحاء با آمریکا پیوند دارند کمک می گیرند مؤلفین "سناریوی سیاسی" سیا با تدارک عملیات برضد خلقهائی که در راه دگرگونیهای انقلابی گام نهاده اند، امیدوارند که ایالات متحده از این اقدامات سود های سیاسی و ایدئولوژیک خواهد برد ونقش رهبری "دنیای آزاد" را که امپریالیسم آمریکا برای حفظ آن دست وپا می زند، استحکام خواهد بخشید.

فعالیت های تبلیغاتی سیا به فعالیت های خرابکارانه وی افزوده می شوند. اخلال در آگاهی مردم ورنگ آمیزی وقایع بنحوی که امکان دید روشن و واضح را از ملت ها سلب می کند، به همراه کشیدن توده های وسیع خلق وحتی دولتها، مجلسها، احزاب سیاسی وسازمان های معتبر اجتماعی در کشورهای سرمایه داری ودر راه رشد یکی از عملکرد های مهم سرویس های مخفی ایالات متحده آمریکاست. سیا برای رسیدن به این هدف ها از شبکه های وسیع تبلیغاتی و از امکانات عظیم خبری بورژوائی سود می جوید.

سیا رسانه های گروهی را وسیله نیرومندی برای اعمال سیاست خارجی و داخلی خود والقاء عقیده می داند. واز این روسعی دارد که با کمک سرویس های مخفی کشورهای سرمایه داری بیشترین تعداد ممکن روزنامه ومجله در نفوذ وآژانس های خبری و سازمان های رادیو وتلویزیون وانتشاراتی آنها را به خدمت خود درآورد وحتی از آژانس های تبلیغاتی برای پیشبرد مقاصد خود چشم نمی پوشد. سیا با ایجاد "هسته های تبلیغ" در رسانه های گروهی آمریکا وخارجی سعی می کند که اخبار مغرضانه وجعلی پخش کند. سیا از روزنامه نگاران آلت فعلی برای جاسوسی های خود می سازد.

تبلیغات بورژوائی می کوشد انگیزه های اصلی تجاوز قدرت های امپریالیستی را توجیه نماید. مداخلات در کوبا وآنگولا در پناه سازمانده ی پناهندگان کوبائی وآنگولائی انجام یافت. امروز همین عمل در مورد افغانستان اعمال می شود. راهزنان دست آموز آمریکائی وچینی و پاکستانی ومصری با مسموم کردن آب آشامیدنی مردم، انتشار میکروبهای مسری، آتش زدن مدارس، بیمارستان ها، زجر وآزار و شکنجه زنان، مردان وکودکان معصوم وارتکاب دهها جنایات بی سابقه دیگر در این تلاش اند رژیم خلقی ومردمی افغانستان را سرنگون سازند ورژیم خونخواری از نمونه رژیم های فاشیستی گواتمالا، شیلی، بولیوی، السالوادر، ترکیه، پاکستان وعراق بجای آن بنشانند. رسانه های گروهی امپریالیستی این جنایات ضد خلقی را زیر نام "قیام مجاهدین مسلمان افغان" توجیه می کنند و در چشم مردمان ساده پندار خاک می پاشند.

مبلغین سیا برای توجیه مداخله "دلایلی" را عنوان می کنند که دیگر تازگی ندارند وتکرار همان دگم های کمونیست ستیزی دیرینه سال اند. در کوبا قبل از مداخله سال ۱۹۶۱، مامورین سیا یورش های مسلحانه و عملیات خرابکارانه ای را سازمان دادند. آنگاه سیا در مطبوعات بورژوائی این وقایع را نشانه ای از "مخالفت عمومی" ملت کوبا با دولت انقلابی آن جلوه دادند.

داستانهای رنگارنگی در مورد "فعالیت خرابکارانه" کوبا در دیگر کشورهای آمریکای لاتین ابداع شد. مثلا روزنامه اکواتوری إل کومرسیو خبری منتشر کرد که بوسیله سیا زود در روزنامه کلمبیائی إل تیمپو منعکس شد. روزنامه مذکور نوشته بود "کاسترو برای چریکهای کلمبیا و اکواتر اسلحه هائی فرستاده است که از آنها برضد پرو استفاده کنند". مأمور سابق سیا ف. آجی با افشای این وقایع و نظایر آن که سالهای متعدد دیگری از توطئه های سرویس های مخفی آمریکائی می نویسد که هدف این بوده است: "افکار عمومی را طوری آماده کنیم که عکس العمل آنها در مقابل حمله بعدی به کوبا خفیف باشد".

می دانیم که این نوع زمینه سازی های تبلیغاتی ناکام ماند وحمله به کوبا در تمام دنیا و در کشورهای آمریکای لاتین با موج مخالفت واعتراض شدید روبروگردید. سیا مجبور به عقب نشینی شد و به روزنامه نگاران دست نشانده اش مأموریت داد تجاوز مزدوران کوبائی به جزیره "آزادی" را "مأموریتی برای رساندن مواد غذائی به شورشیان کوههای اسکامبری" وانمود سازند. در صورتی که چند روز پیش از آن ایستگاه های رادیوئی وابسته به سیا کوبائی ها را تشویق به شورش می کردند واز آنها می طلبیدند که به "ارتش آزادیبخش" ساخته وپرداخته سرویسهای مخفی آمریکا که با نام موهوم "کمیته انقلابی کوبا" و "دولت در تبعید" فعالیت می کرد، بپیوندند.

سیا پس از ناکامی در ماجرای خود انگیخته برای تسویه حساب با خلق کوبا که به دخالت امپریالیسم آمریکا جواب دندانشکن داده بود موج تبلیغاتی عظیمی برای منزوی کردن کوبا در وهله اول در آمریکای لاتین براه انداخت. به اعتراف ف. آجی همه دستگاه های خبری که سیا به آنها دسترسی داشت مأموریت یافتند "اندیشه" خطر نفوذ کمونیسم بین‌المللی در نیمکره غربی از راه کوبا" را رواج دهند.

بدین ترتیب، برای متقاعد کردن کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکائی وغیره نسبت به لزوم قطع روابط دیپلماتیک با کوبا تحریکات دامنه داری صورت گرفت. مثلا گفته شد که در ونزوئلا یک "انبار مخفی از سلاح های کوبائی" کشف شده است. تبلیغاتچی های بورژوائی آمریکای لاتین دست به انتشار "خبرهائی" می زدند که سیا پنهانی در اختیارشان می گذاشت. این "اخبار" حاکی از این بود که شورش ها وجنگهای چریکی در ونزوئلا، هندوراس، پرو، کلمبیا، آرژانتین، پاناما و بلیوی از جانب سفیران شوروی و کوبا در مکزیکو، بوئنس آیرس و مونته ویدئو رهبری می شود.

دیپلماسی آمریکا از تلقینات سیا در خصوص تحریم کوبا و تحمیل آن به کشورهای آمریکائی تبعیت کرده است. اما این تصمیم شرم آور چندان نپایید. در سالهای ۷۰ کشورهای آمریکای لاتین یکی پس از دیگری با کوبا روابط اقتصادی، فرهنگی وسپس دیپلماتیک برقرار کردند. مجله "تری کنتیننتال" در این باره نوشت: "... هدف اساسی که سیا در مورد کوبا مطرح نمود عبارت از منزوی کردن ونابود ساختن انقلاب کوباست که همچون رویای تب آلود شب تابستان بنظر می رسد".

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۸

تناسب نیروها...

سرمایه داری برسانند. وزمانیکه به بهای کوشش فراوان وصرف اعتبارات ونیروی عظیم موفق شوند این تناسب نیرو را در عرصه جهان برقرار سازند در عرصه جهانی شرایط ومحیط کاملا تازه ای بوجود می آید. امپریالیسم این امید را که بتواند در نبرد طبقاتی در عرصه جهانی به کمک نیروی نظامی پیروز شود، برای همیشه از دست داد. محاسبات امپریالیسم برای آنکه با سلاح هسته ای این کمبود را جبران کند واز این راه در توازن نیروی نظامی با جهان سوسیالیسم تفوق حاصل کند با شکست روبرو گردید. امپریالیسم تصور می کرد که سلاح هسته ای را به عنوان یک عامل فشار وسیاسی در درجه اول علیه اتحاد شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی به کار بندد. اما در این زمینه نیز با عدم موفقیت روبرو گردید. وسرانجام معلوم شد که تلاشهای امپریالیسم برای برتری یافتن در زمینه نظامی واستراتژیکی در عرصه جهانی موفقیت وپیروزی نخواهد داشت.

وهمه این عوامل پیش شرطهائی بودند که راه را برای روند تشنج زدائی وقبول این خط مشی وتوافق در زمینه محدود کردن سلاحهای استراتژیکی هموار ساختند. مطلب مهمتر این که برقراری تناسب نیروها در عرصه جهانی تنها به برابری نیروهای نظامی و استراتژیکی تلخیص نمی شود مسئله عمده در اینجا عنصر اجتماعی این برابری است یعنی جنبش خلقها، آگاهی اجتماعی آنان و قاطعیت وآمادگی آنان برای به دست گرفتن سرنوشت خود وسرنوشت نسلهای آینده در زمینه اجتماعی تفوق با نیروهای سوسیالیسم و نیروهائیست که مخالف جنگ، مخالف امپریالیسم و در مواضع دموکراتیک، آزادی و استقلال وترقیات اجتماعی قرار دارند وساده لوحی است اگر تصور شود در این زمینه می توان برابری را حفظ نمود وروند پیشرفت اجتماعی آزادی خلقها ومبارزه علیه امپریالیسم ودر راه استقلال ملی را متوقف ساخت ویا در وضع موجود کنونی آن را حفظ نمود. این واقعیتی است که انقلاب ها با سفارش یا طبق موافقت نامه انجام نمی شوند، زیرا گزینش راه ترقیات اجتماعی کار خود خلقها است وامر داخلی آنهاست وبا شرایط سیاسی واجتماعی وتناسب و آرایش نیروهای طبقاتی درونی هر کشور پیوند دارد. در عین حال برقراری تناسب نیروها در عرصه جهانی عاملی است که موفقیت انقلابها در عرصه جهانی و مبارزه خلقها را در راه آزادی و کسب استقلال ملی تضمین می کند و بازدارنده صدور ضد انقلاب ومداخله نظامی و تجاوز مسلحانه امپریالیسم علیه خلقهاست. کامیابیهای کشورهای سوسیالیستی در همه زمینه های سیاسی واقتصادی ونظامی تکیه گاه اطمینان بخشی برای رویاروئی با نقشه های تجاوزی ومداخلگرانه امپریالیسم جهانی است. افزایش توان اقتصادی ومعنوی جهان سوسیالیسم در عرصه جهانی تأثیرات مثبت آن بر رویداد های جهانی وروند تکامل آینده آن افزوده است. جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری به عامل موثری تبدیل گشته که طبقه حاکمه این کشورها ناگزیرند این عامل را به حساب آورند. کشورهای در حال توسعه وجنبش کشورهای غیرمتعهد با مواضع حفظ استقلال ملی ومبارزه بر ضد امپریالیسم ثبات واستحکام روز افزون کسب می کنند. در مجموع این کشورها گرایش های مبارزه برضد استعمار و ضد امپریالیسم بتوده های وسیع خلق راه در پی می گیرد. مجموع این نیروها در عرصه جهان در برابر امپریالیسم جهانی جبهه متحدی را تشکیل می دهند که از همبستگی وپشتیبانی جهان سوسیالیسم برخوردارند.

بدین ترتیب برقراری تناسب نیروها در عرصه جهانی میان جهان سوسیالیسم و جهان سرمایه داری هم از لحاظ نظامی و استراتژیکی و هم از لحاظ آن به نفع همه خلقها وبه نفع مبارزات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه آنان می باشد. کسانیکه می کوشند دانسته ویا از روی ناآگاهی این واقعیت را با فرمولهائی از قبیل "سازش دو ابرقدرت" ویکسان جلوه دادن مواضع و برخورد جهان سوسیالیسم با جهان سرمایه داری نسبت به تحولات و روند های انقلابی لوث وتحریف نمایند، در راه تأمین منافع خلقها و تضمین پیروزی آنان در مبارزه برضد امپریالیسم وحفظ استقلال ملی گام برنمی دارند وعملا انقلاب را از یک پشتیبانی معنوی پرتوان در عرصه جهانی محروم می سازند.

تجربه چند ساله اخیر در تمام کشورهای قاره های آسیا وآفریقا وآمریکای لاتین موید این واقعیت است که جنبش ها وانقلابهای رهائی بخش واستقلال طلبانه خلقها از پشتیبانی معنوی ومادی جهان سوسیالیسم وتمام جنبشها ونیروهای ضد امپریالیستی و ترقیخواه جهان برخوردار بوده واین پشتیبانی در پیروزی آنان در نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم جهانی عامل موثر ومثبتی بوده است. درک واقعیت تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی وشناخت محتوای سیاسی و اجتماعی این تغییر تناسب به دور از هرگونه پیش داوری وتعصبات سیاسی وعقیدتی در لحظات معینی می تواند برای انقلابها وجنبش های رهائی بخش واستقلال طلبانه خلق ها سرنوشت ساز باشد.

بقیه از صفحه ۱

برنامه های عمرانی...

در قسمت کشاورزی بخصوص با زمینه ای که "اصلاحات ارضی شاهانه!" فراهم آورده بود، سرمایه داری وارد روستاها شد و بخش بزرگی از کشاورزان از تولید سنتی کننده به مصرف کنندگان کالا های خارجی تبدیل شدند. زمینهای مزروعی پیرامون شهرها جهت کارهای ساختمانی وسایر احتیاجات بازار سرمایه بفروش رفت. وکشاورزی مملکت به بحران کلی دچارگشت. این امر ایران را بحساب مصرف سرانه به یکی از بزرگترین واردکنندگان موادغذائی جهان تبدیل کرد. مصرف کالا های وارداتی باافزایش حجم پول درگردش بطرزی لگام گسیخته توسعه یافت ذخائرملی که نفت بخش اساسی آن بود بیرحمانه استخراج می شد و ارز حاصل از آن در این راه به مصرف می رسید. امپریالیسم جهت مقاصد تجاوزگرانه نظامی خود بیش از چهل میلیارد دلار در پنج ساله آخرعمر رژیم سابق به ایران اسلحه فروخت. حدود بیست میلیارد دلار از بودجه عمرانی مملکت هم در این مدت صرف ساختمانها وسایرلوازم جنبی نگهداری وانباشت این اسلحه هاشد. اگر فرض کنیم که به قیمت متوسط همان روزها یک واحد مسکونی یکصد مترمربعی را می توانستیم دومیلیون ریال تمام کنیم، باشصت میلیارد دلار فوق می شد دومیلیون ویکصد هزار واحد مسکونی برای مردم این مرز وبوم ساخت که در آن حدود ده میلیون نفر زندگی کنند. کشوری که چنین غارت می شود برای آنکه از همین نظر امکان اداری وارتباطی وسازمانی لازم را داشته باشد، بایستی برای آن جاده ساخت، فرودگاه درست کرد، تلفن ومخابرات وسایروسایل ارتباطی را تدارک دید وساختمانها، خیابانها وشهرهائی در آن بوجود آورد تا موسسات لازم جهت غارت منظم کشور بتوانند کارکنند. در رژیم گذشته از مطالعه روی کارهائی که بظاهر برای مردم انجام می شد به این نتیجه می توان رسید که هریک جهت انجام منظورخاصی به نفع امپریالیستها یاعوامل داخلی آنها به اجرا درآمده است. مقارن افزایش ناگهانی درآمد نفت برنامه عمرانی پنجم توسط سازمان برنامه وقت تجدید نظرشد تا کارها را با درآمد جدید ایران از نفت هماهنگ سازد. درواقع، سفره دیگری برای غارت ثروت ملی پهن و چنان سازمان داده شد که همان سهم کوچکی هم که از ذخائرزیرزمینی می بایست به مصارف سرمایه ای و عمرانی برسد به هدر برود. در این برنامه ریزی که هدف بازگرداندن درآمد نفت را به کشورهای امپریالیستی پیاده می کرد، کلیه مصالح لازم جهت همه کارهای عمرانی جز سنگ وخاک و آجر وشن واز این قبیل، از خارج وارد مملکت گردید. حتی در پاره ای موارد سعی براین شد که به علت کمبود کارگر و مصالح ساختمانی از مصالح وارداتی وکارگر خارجی استفاده شود یعنی به جای همین سنگ و آجرو خاک وشن نیز مصالح خریداری شده ازخارج به کاررود. باآن که پیمانکاران ومهندسان ومتخصصان ایرانی خیلی از کارهارا، نظیر جاده سازی، بخوبی انجام می دادند، معذالک به این بهانه که پیمانکارو کارگر کم داریم بسیاری از پروژه ها را با حدود دوبرابرقیمت به پیمانکاران خارجی واگذارکردند. شرکتهای وابسته به خارجیان یا وابستگان به اقوام دور ونزدیک پهلوی کارهارا قبضه کردند وتکنوکراتهائی راکه دردستگاه دولتی درخدمت خود داشتند وسیله کردند تا تمام امکانات مملکت دراختیارشان قرارگیرد. دراین ارتباط مشاغل جدیدی پیداشد که مهمترین آنها دلالی از نوع جدید بود. ازاین قرار:

برنامه ای جهت خرید یک جنس توسط یک دلال تنظیم می شود

↓ دلال ↓

درسازمان برنامه جهت مصرف آن درکارهای عمرانی اقدام می شود

↓ دلال ↓

یک شرکت مهندسان مشاورجهت تهیه طرح مربوطه انتخاب یا تاسیس می شود که مرکب از افراد بانفوذ و اغلب غیرمتخصص است و قرارداد بااین شرکت منعقد می شود

↓ دلال ↓

یک شرکت مهندسان مشاور متخصص انتخاب می گردد تا با دریافت مبلغی به مراتب کمتر از قرارداد بسته شده طرح راتهیه کند

↓ دلال ↓

پروژه به شرکت دست اول تسلیم می شود

↓ دلال ↓

پروژه توسط سازمان برنامه قبول وتامین اعتبار می گردد

↓ دلال ↓

یک شرکت پیمانکار جهت اجرای پروژه وعقد قرارداد با قیمت خوب از افراد ذینفوذ که اغلب غیرمتخصص هستند تاسیس یا انتخاب می گردد

↓ دلال ↓

یک شرکت پیمانکار مرکب از افراد متخصص جهت اجرای کار بطور دست دوم باحداقل قیمت ممکن انتخاب می شود

↓ دلال ↓

وصول پول از مقامات دولتی ومواظبت ازحسن جریان روند فوق تاتحویل کار وتقسیم سهم هرکس، بنحویکه تعیین شده است، با وساطت دلال انجام می شود ومعامله خاتمه می یابد

چنانکه می توان دید، دلال مهمترین وبی مسئولیت ترین و پردرآمدترین فردی بود که در این روند وجود داشت و او بود که غیراز کارهای فوق درارتباط با بانکها و موسسات بازرگانی داخل وخارج مرتبا اعتبارمالی تامین می کرد ویا جنس جدید می فروخت که خود داستان دیگری است. بدیهی است پروژه ای که بایستی براساس طرح بهینه، یعنی طرحی براساس مصرف باصرفه ترین مصالح در زمان ومکان معین وبرگشت سرمایه درکوتاهترین مدت تهیه گردد، وقتی جهت فروش اجناس بخصوص طرح شود و این همه دلال و واسطه آنرا اداره کنند وسازمان بدهند علاوه برآنکه بسیارگرانترتمام خواهد شد، پس از پایان کار منظوررانیزبه تمامی تأمین نخواهد کرد. شاید بیش از ۹۵٪ کارهای عمرانی بزرگ مملکت این روند را طی کرده اند واگر ۵٪ درصدی نیز روالی غیراز این داشته اند ویاتوانسته اند خود رابر روال حاکم تحمیل کنند وسط کار رها شده وپیمانکاران آن به خاک سیاه نشسته اند.

تازه اگرکارعمرانی، بااین برنامه که جهت غارت تنظیم شده است، به همین طریق تمام وتحویل می شد وغارتگران به همین جابسنده می کردند باز جای شکرباقی بود. اغلب مشاهده شده است که مبالغ هنگفتی صرف یک پروژه کرده اند وسپس آنرا رهاکرده و دورریخته اند. بعضی اوقات پروژه ها بطریقی طرح شده است که وقتی به بهره برداری رسیده دیگر کهنه و بلااستفاده بوده است ویا مدت کمی از آن می توانسته اند استفاده کنند به طوری که سرمایه های صرف شده مستهلک نمی شده است. شاید بتوان بامثالهای زیر منظور را بهتر بیان کرد:

در بندرلنگه، بهبهان، آبدانان، چاه بهار، بندر طاهری پایگاه هائی ساخته اند و پس از صرف چند میلیارد ریال درهرمورد، معلوم نیست ازکجاخبررسیده که محل این پایگاه ها درست انتخاب نشده است. بنابراین آن را رهاکرده درمحل دیگری به ساختمان پرداخته اند وپایگاه را درجای جدید مستقرکرده اند. اماآن ساختمانهای رها شده که لانه مارو موش شده اند هنوز باقی هستند و به قراری که گفته می شود طوری است که نمی توان مردم را در آن اسکان داد. در محلهای زیادی از کشور، بخصوص در واحد های کشاورزی بزرگ دولتی، ساختمانهای پیش ساخته خارجی از مصالح بسیار سبک وباکیفیتی خیلی نازل و قیمت زیاد ساخته شده اند که مردم اطمینان نمی-کنند درآنها زندگی کنند وهمچنان خالی مانده اند.

وزارت راه و وزارت بازرگانی جمعا حدود چهارهزار تریلی مارک وایت و حدود دوهزار لودرکاترپیلار و آلیس چالمرز وچند هزارماشین آلات سنگین دیگر به قیمت پنجاه میلیارد ریال خریداری کردند. این دستگاه ها جذب بازارکارنشد و درنتیجه ماه ها در بنادر ایران در میان گرد وخاک و لجن بدون مصرف افتاد. مقدارزیادی از آنها بسرقت رفت ولوازم یدکی آنها دربازار به فروش رسید، تعدادی ازآنها پوسید وتعداد زیادی نیز درانبارهای شرکتهای واسطه فروش همچنان درمعرض خطرنابود یست و دورنیست که راه هائی برای استفاده غیرقانونی از این دستگاه ها پیدا کرده باشند. (۱)

برای آنکه در روستاها مرکزیتی ایجاد کنند. یا به سخنی دیگرجهت گسترش سرمایه داری در دهات، بودجه هنگفتی درمملکت برای ایجاد شهرک های روستائی اختصاص داده شد، بدین ترتیب که درمرکز هرچند قریه یکی ازاین شهرک ها ساخته شود وساختمانهای دولتی وبازرگانی و موسسات رفاهی وبیمارستان ودرمانگاه وسایرموسسات مورد احتیاج مردم درآن محل ها مستقرگردند. بودجه این کارچند ده میلیارد ریال تعیین شده بود. البته اطلاعی دردست نیست که چه تعداد ازاین شهرک ها به اجرادرآمد، ولی همین قدرمی توان دید که درکنار بسیاری از روستاهای این مملکت محل هائی رابامخارج گزافی خیابان سازی کرده اند وساختمان های لازم نیز درآنجاها ساخته شده اند واکنون، به علت آن که این ساختمانها مطابق باسنن وعادات مردم نبوده بلااستفاده مانده اند.

وزیرراه درسال ۱۳۵۳ اعلام کردکه تاسال ۱۳۵۵ اتوبان چهارخطه ای (به عرض حدود سی متر) مشهد رابه یزد مربوط خواهد کرد!! درهمان حال که این خبر اعلام می شد، همین آقای وزیر قراردادهائی را برای مطالعه یاساختمان راه هائی به شرح زیرامضاء می کرد، به اضافه یک راه که بتازگی تحویل شده بود:

۱ــ ازمشهد تا چند ده کیلومتربعد از تربت حیدریه، قرارداد با چند شرکت پیمانکاری ایرانی جهت ساختن راه آسفالت گرم به عرض یازده متر.

۲ــ دنبال راه فوق تا قائن وسپس تا بعد ازبیرجند با یک شرکت ایتالیائی جهت ساختن راه آسفالت گرم بعرض یازده متربا قیمتهائی حدود دوبرابرقیمت پیمانکاران ایرانی

توضیح ــ راه یزد قبل از گناباد درمسیرقائن از راه بیرجند جدا می شود لذا از روی راه اسفالته بایستی بطرف گناباد منحرف شد.

۳ــ چندی قبل ازاین تاریخ، راهی منطقه ای بعرض ۶ متر بااسفالت غیراساسی بین گناباد وفردوس تحویل شده بود.

۴ــ ازفردوس به طرف طبس، قرارداد با چند پیمانکار ایرانی جهت ساختن راه اسفالت سرد به عرض ۸ متر

۵ــ از طبس به طرف یزد، قرارداد با مهندسان مشاور ایرانی جهت طرح یک راه آسفالت گرم به عرض یازده متر

چنانکه ملاحظه می شود به هیچوجه ساختن اتوبان مطرح نبوده است زیرا قراردادهای مختلفی که هماهنگی هم نداشته اند درهمان تاریخ جهت ساختن راه درهمان مسیرمنعقد شده است.

آیا بنظرنمی رسد که اگراتوبان لازمست، اینهمه خرج برای جاده های غیراساسی ۶ و ۸ و ۱۱ متری برای چیست؟ واگربایستی راه مزبوررا به عرض یازده مترساخت، چنانکه قبل از گناباد و بعد ازطبس مقررگردیده است چرااین هممسیر راجاده های ۶متری و ۸ متری، که بعلت تفاوت استاندارد قابل توسعه به جاده یازده متری هم نیستند، می سازند. باتوجه به اینکه این اتلاف پول توسط مهندسان دلسوزیه موقع خود تذکرداده شده ومورد قبول قرارنگرفته است، می توان به روشنی دریافت که دررژیم فاسدگذشته، نظر براین بوده است آنچه برای کارهای عمرانی بمصرف می-رسد حتی المقدور به هدر برود.

درکنارطرح واجرای کارهای عمرانی، درآمد مملکت به طرقی دیگرنیز به هدرمی رفت. گفته شده است که شخصی درمورد (آلودگی هوا) کتابی دردست ترجمه راعرضه کند تااستفاده بیشتری نصیبش گردد. دلال قراردادی بااو بست وپنجاه درصد بااوشریک شد. پس ازتکمیل ترجمه، چند نسخه ازکتاب بعنوان (آلودگی هواوراه مقابله با آن) باجلد های زیباآماده گردید وروی جلد بانام سازمان ذی ـصلاح مزین شد. دلال که قراردادی جهت تهیه طرح جلوگیری ازآلودگی هوا بادخالت یکی ازاعضاء خاندان

بقیه درصفحه ۸

اتّحاد مردم

شماره ۶۳ دوره دوم دوشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحهٔ ۱

به‌کدام سو...

نمی‌گذارند. تنی چند از مسئولان بلند پایهٔ جمهوری اسلامی ایران هم، باتأکید بر شعار "نه شرقی، نه غربی" که احتمالا به ضرورت رفع تهمت ـ باتبری دشنام گونه به فلان "ابر قدرت" چاشنی داده می‌شد، اعلام کردند که سلاح های لازم از هرجا که به مصلحت کشور و انقلاب باشد تهیه خواهد شد.

باضایعاتی که زرادخانهٔ جنگی ایران در نبرد باصدّام متحمل شده است و باتوجه به آن که کارجنگ به درازا می‌کشد، ـ وتا زمانی که امپریالیسم آمریکا خرده حسابی باایران انقلابی دارد، اگرهم عراق به زودی شکست بخورد، باز سگان دست آموز دیگری درمنطقه به اشارهٔ ارباب در ما خواهند آویخت، ـ مسئلهٔ تجدید وتکمیل ذخیرهٔ سلاحها اهمیت و فوریت خاصی برای حفظ استقلال ایران و تداوم انقلاب کسب می‌کند. باید تصمیم گرفت وجوشش ایمان انقلابی جوانان مارا باسلاحهای کارآمد وفراوان نیروی بیشتری بخشید. امّا مسئله از این حد دورتر می‌رود وکل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ودر واقع راه تکامل آیندهٔ انقلاب مارا، مطرح می‌کند: به کدام سو می‌رویم؟ شعار "نه شرقی، نه غربی" به چه معناست؟ چه بردی دارد و چگونه می‌تواند درعمل پیاده شود؟

درحدّ اعلام اصول عقاید وایمان، می‌توان پذیرفت که راهی جز آنچه "کفرغرب" و "الحاد شرق" نامگذاری شده است درپیش گرفته شود. اضافهٔ صفت اسلامی به نظام جمهوری برخاسته از انقلاب هم برای تأکید برهمین معنا بوده است. جمهوری اسلامی ایران امروزه واقعیتی درزندگی بین‌المللی است که انقلاب پیروزمند و پویندهٔ مستضعفان این مرز وبوم برجای ایران آریامهری نشانده است. دولتها وقدرت های دیگرهم ـ پسند خاطرما باشند یانباشند ـ واقعیت هایی درصحنهٔ جهان هستند. ضرورتهای تکامل وتصادفات تاریخ بشراین واقعیت ها رابر پهنهٔ زمین درکنارهم چیده است. مناسبات ناگزیر آنان باهم، نه‌بر حسب میزان کفر و ایمان هر یک، بلکه بر حسب آن چیزی است که درداد وستد اقتصادی وفرهنگی، دردوستی ودشمنی سیاسی ونظامی، ازاین یا آن می‌توان انتظار داشت. ازین رو، طبیعی است که، درصورت برخورداری از رشد مستقل، هرکشور و هرملتی تنها به انگیزهٔ مصالح خاص خود بادیگران از دردوستی درآید یا به دشمنی برخیزد. پس، شناخت مصالح خود واستقلال رأی وعمل برای دستیابی بدان نه تنها مطلوب بلکه واجب است. حاکمیت بر سرنوشت خویش جز بو این دوشرط نمی‌تواند صورت پذیر باشد. انقلاب خلقی وضد امپریالیستی مردم ایران به رهبری امام بزرگوار خمینی و روحانیت مبارز ومتعهد، اگرباشعار "نه شرقی نه غربی" خواسته باشد سازش ناپذیری خود را درمورد اصل بنیادی استقلال بیان کند، جای کمترین خرده گیری برآن نیست. پس از نزدیک به دویست سال وابستگی اسارتبار به سیاست غارتگرانهٔ دولتهای اروپایی وآمریکایی ونورسیدگان ژاپنی و غیرآن، وپس از آن همه قیامها که دراین مدت درخون غرق شد، ملت ایران حق دارد نهایت مراقبت غیورانه را در حفظ استقلال خود داشته باشد. امّا این امرنباید مارابه راه غرور، به راه نفی حضور وتأثیردیگران به راه نادیده گرفتن معادلات نیروها در سیاست منطقه وجهان بکشاند. مانمی‌توانیم به بهانهٔ کفر والحاد، درآن واحد وبرای همیشه ـ زیرا تضاد کفر وایمان اگرهم جاودانه نباشد دیرپاست، ـ همه را از دور ونزدیک دشمن بدانیم و درانداشه وگفتار وعمل باهمه دشمنی کنیم. چنین چیزی از توان مابیرون است. ونه تنها ازتوان ما، بااین کوه دشواریهاکه درپیرابر داریم، بلکه از توان بزرگترین قدرتهای مادی ومعنوی این جهان بیرون است. ماکه، بهرهنمود درست امام خمینی، دشمن اصلی راشناخته‌ایم و ـ درصورت وفادارماندن به آرمانهای انقلابی توده‌های مستضعف ایران ـ هنوز تاسالهابا آن درکشاکش نبرد خواهیم بود، باید بادشمن دشمن خود، اگر هم نه دوستی به جان ودل، روابط سالم همسایگی وتفاهم وتعاون داشته باشیم. مابااتخاذ چنین سیاست واقع بینانه چیزی ازدست نمی‌دهیم. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به حقانیت خود وبه نیروی درونی ملت انقلابی خود آن قدراعتماد داشته باشد که از چنین تفاهم وتعاون وهمکاری، درعین احترام حق حاکمیت یکدیگر، نترسد وبراستقلال خود نلرزد. جزاین چاره‌ای نیست. تاانقلاب هست و پویائی انقلاب در راستای رهایی از ستم و نابرابری واستثمارهست، جمهوری اسلامی ایران باید متحدان خود راابتداد رجبههٔ پایداری عرب وسپس درگروه پرتوان کشورهای غیرمتعهد وسوسیالیستی بجوید. این یک انتخاب بنیادی وسرنوشت سازاست که درشرایط کنونی ایران و جهان نه تنها مسئله پیروزی درجنگ راحل می‌کند، بلکه راه آیندهٔ انقلاب مارامشخص می‌دارد. به همین جهت نیز درگیری برسر این مسئله تابه این حد درمحافل سیاسی، نظامی، اقتصادی، مذهبی ومطبوعاتی کشورشدید است همه می‌دانندکه درورای بحث برسر خرید تجهیزات وسلاح جنگی، باید به این پرسش اساسی پاسخ داد: به کدام سو می‌رویم؟ بو نهایت مغلطه کاری برخی دراین است که، به رغم تجربهٔ جهانی جنبش های رهایی بخش، رفتن از یک سوی معین رابه معنای ازدست دادن استقلال وانمود می‌سازند وبرای یک چنین سفسطه‌ای از هرگونه تقلّب وتحریف در دانش ودین وتاریخ یاری می‌جویند■

تناسب نیروها درعرصه جهانی وبازتاب آن درجنبش های رهایی بخش ومبارزه خلقها علیه امپریالیسم وبخاطر استقلال

تغییرتناسب نیروها درعرصهٔ جهانی مطلبی است که باسرنوشت همهٔ خلقها و موفقیت و پیروزی آنان درمبارزه برضد امپریالیسم وبه خاطر آزادی واستقلال پیوند ناگسستنی دارد. این‌تغییردرتناسب نیروها که به ظاهرتغییری است درتناسب نیروی نظامی و برقراری توازن قدرت در اردوگاه جهان سرمایه‌داری وجهان سوسیالیستی درعین حال تغییری است درتناسب وقدرت وامکانات آن نیروهای اجتماعی که محتوا و سمت روند پیشرفت وتکامل جهان امروز را تعیین می‌کنند. پیکار به خاطر تغییرتناسب نیروها درعرصهٔ جهانی از ۶۳ سال پیشتر یعنی اززمان پیروزی انقلاب اکتبرکه درجهان یک نظام نوبنیاد وسوسیالیستی پابه عرصهٔ وجود نهاد آغاز شده وتابه امروزهمچنان ادامه دارد. پس از پیروزی انقلاب اکتبر جهان سرمایه داری تمام کوشش خود رابرای نابودی نظام سوسیالیستی وجلوگیری از اشاعهٔ اثرات انقلابی آن دردیگرکشورهای جهان بکاربست ودکترین های نظامی متعددی برای نابودی این نظام تدوین نمود.

امروزنیز پس از ۶۳ سالی که ازین رویداد بزرگ تاریخی می‌گذرد درشرایط فوق العاده بغرنج وپیچیده در روابط بین المللی بررسی این مطلب که تناسب نیروها درعرصه جهان راچه عواملی تشکیل می‌دهد، تغییرات آن درچه سمتی وبنفع چه نیروهای اجتماعی است روشنگر وسودمند خواهد بود. این تناسب نیروها قبل ازهرچیز توازن میان نیروهای سوسیالیسم وسرمایه‌داری است. با وجود عوامل و عناصر متنوعی که نماینگر این تناسب نیروها می‌باشند. آنرامی‌توان با دو شاخص عمده باخصلت های متفاوت بیان نمود. شاخص اول تناسب نیروهای نظامی و استراتژیکی میان دوسیستم سوسیالیستی و سرمایه‌داری، شاخص دوم تناسب امکانات و توان اجتماعی وسیاسی این دوسیستم می‌باشد. وبه همین جهت است که گفته می‌شود وخامت زدائی نتیجهٔ قانونمند آن تناسب نیروئی است که طی دهسال اخیر درعرصهٔ جهانی پدید آمده. برقراری تناسب نیروی نظامی واستراتژیکی میان جهان سوسیالیسم باجهان سرمایه‌داری عامل بازدارنده‌ای است که ازنیات ونقشه‌های تجاوزگرانهٔ امپریالیسم جلوگیری می‌کند وبا منافع آزادی واستقلال همه خلقهای جهان و مصالح صلح جهانی مطابقت دارد. و به همین علت است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همواره وبویژه طی دهسال اخیرمبتکرشتاب بخشیدن به مسابقهٔ تسلیحاتی، برهم زدن روند وخامت زدائی و ایجاد کانونهای تشنج وجنگ درمناطق گوناگون جهان بوده وتلاش دارد تناسب نیروها درعرصهٔ جهانی رابه نفع خود دگرگون سازد تابتواند نقشه‌های توسعه طلبانه، مداخلات نظامی و سرکوب جنبش های رهائی بخش وخیزش های انقلابی خلقها رابه اجرا گذارد وبدینطریق روند پیشرفت وتکامل جهان رابه مسیر دلخواه خود بکشاند.

درمقابل اتحاد شوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی هیچگاه در این راه یعنی مسابقهٔ تسلیحاتی پیش قدم نبوده‌اند. اما کشورهای سوسیالیستی به خاطر حفظ موجودیت خود وجلوگیری ازسیاست جنگ طلبانه جهان سرمایه داری ناگزیر بودند نیروی نظامی واستراتژیکی خود رابه مرز برابری باقدرت نظامی واستراتژیکی جهانی

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

مسابقه تسلیحاتی...

که به رشد دائمی اقتصادی منتهی می‌شود، منحرف شده‌ایم. تورم چهارنعل به پیش می‌تازد. هیچ مفری به چشم نمی‌خورد. دلار آمریکا به شدت وزن خود راازدست داده است.

اکنون مابا وضع دشوار اقتصادی ومالی روبروئیم و از حیث اقتصاد ملی به موقعیت بحرانی لغزیده‌ایم. اگر بخواهیم ازنتایج بازهم جدی تری که به فاجعه منتهی شود بپرهیزیم باید ازاین وضع خارج شویم".

هنری کوفمان درنطق خود تاحدی اعتراف نمود که نظامی کردن فزایندهٔ اقتصاد وسیاست ضد شوروی که از جانب دستگاه رهبری آمریکا تعقیب می‌شود نقش مهمی در پیدایش "منجلاب" که بدان اشاره شد بازی می‌کند. امااین سیاست نتوانسته است هیچ مفری برای این موقعیت باشد■

بقیه از صفحه ۷

برنامه‌های عمرانی...

جلیل!! باآن سازمان منعقد کرده بود، مجلدات حاضر شده رابه سازمان مزبور تسلیم و بودجه‌ای راکه سازمان جهت تهیهٔ طرح دراختیارداشت به جیب زد ومترجمین که کتاب او خواننده کمی می‌توانست داشته باشد دراین میان به نوائی رسید. البته روی صحت وسقم این داستان نمی‌توان قسم خورد، ولی نظایراین اعمال دراجرای کارهای عمرانی زیاد بوده است. پروژه‌های بی خاصیت فراوانی جهت ترافیک، حفاظت حیات وحش، مبارزه باآلودگی آبهای دریا مطالعات تغذیه، و . . . غیره که در بایگانی سازمان برنامه یا موسسات دیگربلا استفاده مانده همچنان خاک می‌خورند وزمانی برای تهیهٔ آنها بودجه‌های بالنسبه کلانی بمصرف رسیده است، جزترجمه‌های جزوه‌های خارجی نیستند و اغلب هیچکدام باشرایط مملکت ما مطابقت هم داده نشده‌اند.

طرحهای ساختمانی زیادی رامی‌توان ازمهندسین مشاوردر سازمان برنامه سراغ گرفت که عینانقشه‌های خارجی راکپی کرده به عنوان طرح خود به حساب گذاشته‌اند، و

چون ازاول نیزاین طرح راالمی خواسته‌اند اجراکنند اشکالی هم پیدا نشده است. حتی درمواردی هم که مقررشد طرحی ازاین قبیل به اجرادرآید، پیمانکاران اجراکننده بعدا با حفظ سکوت وبه هزینه خودشان طرحهای قابل اجرائی که به نفع خودشان بوده است به جای آنها تهیه وبه تصویب رسانده واجراکرده‌اند.

به هرحال سخن دراین مورد زیاد است. این نابسامانیها همگی نتیجه سلطه امپریالیسم برمملکت مابوده است. انقلاب پرشکوه بهمن پایه‌های این سلطه رافروریخت و ملت قهرمان ماراحاکم برسرنوشت خود کرد. ملتی که سرنوشت خود رادردست داشته باشد، ثروت ملی اش راصرف گسترش وتکامل اقتصاد وارتقای فرهنگ خود خواهد کرد، و مثلا به جای خرید اسلحه خواهد توانست کارهای زیر را انجام دهد:

بازاء هرتانک ده بیمارستان، بازاء هرهواپیمای اف ـ ۵ یک بیمارستان مجهز ۵۰ تختخوابی، بازاء هرهواپیمای اف ـ ۱۴ یکهزار واحد مسکونی به مردم تحویل دهد. و وانخریدن هرگلوله توپ یکصد وپنجاه الی دویست هزار ریال صرفه جوئی کند.

در این جنگ تجاوزگرانه تحمیلی امپریالیستی عراق با ایران که روزانه صدها میلیون تومان برای دو ملت خرج و خسارت دارد می‌توان بازاء مخارج وخسارات هرماه چند کارخانهٔ ۶۰۰ هزارتنی ذوب آهن نظیر آنچه دراصفهان ساخته شده است به کمک تولید ملی گماشت. باپیروزی از سیاست عادلانه صلح وتشنج زدائی این امکانات دراختیار ملتها قرارخواهد گرفت وراه تکامل وسعادت جامعهٔ بشری راهموارخواهد ساخت.

امید است روشنفکران ومتخصصان درکنارتوده‌های میلیونی مردم مستضعف درتحکیم وگسترش دستآوردهای انقلاب ایران متعهدانه عمل کنند ونگذارند که ایران دوباره عرصهٔ تاخت وتاز امپریالیستهای غارتگر گردد. مداومت و پایداری درنبرد بخاطر تحقق هدفهای استقلال ملی و آزادی درسایهٔ صلح وکار ضامن پیروزی است. باید باقدمهای استوار به سوی جامعهٔ عدل وبرابری عاری از جنگ که درآن تکامل طبیعی وآگاهانه خلق حاکم باشد گام برداشت.

زیرنویس:

۱ـ چون بحث مادرمورد کارهای عمرانی است وارد بحث روی اتلاف ثروت مملکت در اثرکارهای بازرگانی وخرید مواد غذائی ازخارج و سورشارژ کشتی ها نمی‌شویم.

◆◆◆